



پیش ازین و بعد از اسلام رسد او سیدنا

پیمان پایدار

احمد نازکم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیمان پایدار ویژه نامه عقد اخوت؛ سنت دیرپای اسلام

نویسنده:

احمدناظم

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	پیمان پایدار ویژه نامه عقد اخوت؛ سنت دیرپای اسلام
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۰	دیباچه
۱۲	پیش گفتار
۱۴	فصل اول: برادری در قرآن
۱۴	اشاره
۱۵	۱. برقراری صلح
۱۷	۲. وحدت، زمینه برادری است
۱۸	۳. دعا برای برادران دینی
۱۸	۴. نماز و زکات؛ شرط برادری
۱۹	فصل دوم: سیر تاریخی اخوت در اسلام
۱۹	نخستین عقد برادری
۲۰	نخستین عقد برادری عمومی
۲۲	پیوند برادری در مدینه
۲۴	عقد برادری در سال نهم هجرت
۲۵	عقد برادری در روز مباحله
۲۷	فصل سوم: عقد برادری پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام
۲۷	در یوم الدار
۲۷	پیش از هجرت
۲۸	پس از هجرت
۳۱	تواتر تاریخی برادری پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام
۳۵	منکران این واقعه

۳۷	چرا علی علیه السلام ؟
۳۷	اشاره
۳۸	۱. پیوند آسمانی
۳۹	۲. بیان عظمت و شایستگی جانشینی حضرت علی علیه السلام
۴۰	۳. تنها همپایه پیامبر صلی الله علیه و آله
۴۲	فصل چهارم: اهداف پیامبر از ایجاد اخوت میان مسلمانان
۴۲	اشاره
۴۲	الف) اهداف مقطعی (ناظر به جامعه آن روز عرب)
۴۲	۱. آمادگی برای پی ریزی حکومت اسلامی
۴۳	۲. کمک اقتصادی به مهاجران
۴۶	۳. جانشینی پیوند ایمانی به جای پیوندهای قومی و نژادی
۴۸	۴. از بین بردن کینه ها و دشمنی ها
۵۰	۵. زدودن غربت و تنهایی مهاجران
۵۰	ب) اهداف کلان (ناظر به جامعه مسلمانان)
۵۰	۱. برقراری مساوات و برابری
۵۰	اشاره
۵۱	مساوات در اسلام
۵۲	خاستگاه مساوات در اسلام
۵۶	۲. برقراری تعاون و تکافل اجتماعی
۵۹	فصل پنجم: حقوق برادران دینی
۵۹	۱. پیوستگی ایمان و عمل
۵۹	۲. اهمیت ادای حقوق برادران
۶۱	۳. حقوق برادری
۶۱	الف) برآورده کردن نیاز دیگران
۶۳	ب) آنچه برای خود دوست دارد، برای دیگران نیز دوست بدارد...
۶۴	ج) مهربانی و خوش رفتاری

۶۵ (د) عیب پوشی
۶۶ (ه) دیدار، معانقه و مصافحه با برادران
۶۸ (و) عفو و گذشت
۶۹ (ز) حقوق دیگر
۷۱ فصل هشتم: سخنان بزرگان
۷۱ امام خمینی (ره):
۷۲ شهید مطهری:
۷۲ مقام معظم رهبری:
۷۴ فصل هفتم: موانع و آسیب های تحکیم روابط برادرانه
۷۴ اشاره
۷۴ ۱. نگرش مادی به زندگی
۷۵ ۲. کمبود الگوهای مناسب
۷۵ ۳. نبود تبلیغات لازم
۷۷ ۴. بی توجهی به ارزش های دینی
۸۱ توصیه های کلی
۸۲ پیشنهادهای برنامه ای
۸۲ پرسش های مسابقه ای
۸۵ پرسش های مصاحبه ای
۸۵ پرسش های کارشناسی
۸۷ کتاب نامه
۹۲ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: ناظم، احمد

عنوان و نام پدیدآور: پیمان پایدار ویژه نامه عقد اخوت؛ سنت دیرپای اسلام/احمد ناظم؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری: ۷۳ ص.

فروست: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۸۲۸

شابک: ۵۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۸۶۰۶-۵۴-۴

یادداشت: کتابنامه: ص. ۷۱ - ۷۳.

موضوع: برادری -- جنبه های مذهبی -- اسلام.

موضوع: اخلاق اسلامی.

موضوع: وحدت اسلامی.

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۸/۲۴۷/۸/۲پ ۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۱

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۱۴۱۰

ص: ۱

اشاره

↔

کد: ۸۲۸

نویسنده: احمد ناظم

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: سروش مهر

چاپ و صحافی: نگارش

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۳

شمارگان: ۱۵۰۰

بهاء: ۵۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۹۶۴-۸۶۰۶-۵۲-۸-۸۶۰۶-۵۲-۸-۹۶۴ ISBN

ص: ۲

پیوستگی و برادری به جامعه انسانی یکدلی، جذابیت و نشاط می بخشد و در پرتو تعاون و هم دلی، راه پیشرفت و کمال، هموار و زمینه بالندگی فراهم می آید.

اسلام به عنوان دینی مترقی و جاودانه، اجتماع بشری را به برادری و همدلی برای نیل به اهداف الهی فرا می خواند و آنان را به مهرورزی و یاری یکدیگر دعوت می کند.

در آموزه های دینی پیوند دینی از چنان اهمیتی برخوردار است که برادری شرط ایمان و آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» سرلوحه وظایف مؤمنان قرار داده شده است.

سیره رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان نخستین شخصیتی که در این راه پیش قدم شد، همواره بر تارک گیتی ماندگار است. پیامبر صلی الله علیه و آله با ندای «صافحتک فی الله و اخیتک فی الله» مسلمانان را برادر یکدیگر ساخت و خود افتخار «برادری» را بر گردن وصی اش امیرمؤمنان علیه السلام آویخت و آیندگان را نیز بدان تشویق کرد.

البته برادری مسلمانان، پیوندی ظاهری و تشریفاتی نیست، بلکه رابطه ای عمیق و مسئولیت آفرین و تکلیف آور است که بر آن وظایف متعددی مترتب است و هیچ مسلمانی نمی تواند و نباید از آن شانه خالی کند.

در شرایط کنونی که دشمنان اسلام در صفی واحد با برنامه ریزی در پی مبارزه با دیانت و ارزش های اسلامی هستند، تلاشی جدی و همه جانبه در راستای فرهنگ سازی در تحقق این مقوله و برقراری پیوندی عمیق، نیاز ضروری است.

ضرورت عملی شدن چنین امر مهمی، رسالت رسانه ملی _ دینی را که دارای بیشترین مخاطب و تاثیرگذاری است به خوبی روشن می کند.

بر این اساس، مرکز پژوهش های اسلامی بر آن شد تا تحقیقی در خور این سنت حسنه انجام دهد و دستاوردهای تحقیقی خویش را تحفه برنامه سازان و برنامه ریزان و اصحاب رسانه نماید. باشد که در سایه عزم و تلاش پی گیر متولیان فرهنگی گام های ارزنده ای در ترویج فرهنگ ناب محمدی صلی الله علیه و آله برداشته شود.

در پایان از پژوهشگر ارجمند جناب آقای احمد ناظم که در تحقیق و ساماندهی این اثر کوشیده اند سپاس گزاری می کنیم. امید است تلاش شایسته پژوهشگران و برنامه سازان روزی که «لا ینفع مال ولا بنون» به کار آید.

انّه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

دین مبین اسلام برای پی‌ریزی و ساماندهی جامعه‌ای آرمانی، در درجه نخست به خانواده که در حقیقت جامعه‌ای کوچک است اهمیت داده و پس از آن به ارتباط با خویشاوندان و نزدیکان سفارش کرده است و سپس در محدوده‌ای گسترده‌تر، مسلمانان را به داشتن روابط خوب و محکم با همسایگان امر کرده و سرانجام، دایره پیوند انسان‌ها را به سطح امت و جامعه گسترش داده است. همچنین با برقراری پیوند برادری میان مسلمانان و نیز وضع مجموعه‌ای از قوانین والای اخلاقی – اجتماعی، تشکیل یک جامعه یکپارچه بر پایه ایمان را عیّت بخشیده و به دیگر سخن، ساختار مدینه فاضله آرمانی را بنیان نهاده است.

از سوی دیگر، در نظام اداری – سیاسی اسلام، بین روح و ماده، اخلاق و قانون و امور فردی و اجتماعی، پیوستگی و هماهنگی وجود دارد. به گفته مارسل بوازار، علت اشتباه شرق شناسان در ارزیابی مبانی و رسالت اسلام با استفاده از روش‌های غربی، جدا کردن عوامل مؤثر در زندگی فردی و گروهی از یکدیگر است؛ در صورتی که در اسلام این عوامل، پیوستگی و ارتباط تنگاتنگی دارند که از شواهد آن، عقد اخوت در صدر اسلام است. (۱)

ص: ۳

این رویداد، افزون بر این که بیانگر یک ارتباط فردی است، آثار اجتماعی فراوانی نیز دارد.

در این نوشتار بحث برادری در اسلام را در چند زمینه پی گرفته ایم: اخوت از دیدگاه قرآن، سیر تاریخی آن در اسلام، پیوند برادری پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام، اهداف پیامبر از برقراری اخوت میان مسلمانان و در پایان، نگاهی کوتاه به حقوق برادری از نگاه روایات.

واژه «اخ» و مشتقات آن نود و شش بار در قرآن به کار رفته است. در برخی موارد، به معنای لغوی یعنی برادری نسبی است؛ مانند:

«اگر میت برادر داشته باشد، مادرش یک ششم ارث می برد». (نساء: ۱۱)

«هوای نفس، او (قابیل) را بر کشتن برادرش ترغیب کرد». (مائده: ۳۰)

«آن گاه موسی و برادرش هارون را به سوی فرعون فرستادیم». (مؤمنون: ۴۵)

«یوسف علیه السلام گفت: برادر پدری خودتان را به نزد من بیاورید». (یوسف: ۵۹)

در برخی دیگر از آیات، اخ به معنای استعاری به کار رفته است. این گروه از آیات را می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

دسته اول: آیاتی که در آنها، اخ به معنای شخصی از اهل قوم یا شهر یا روستاست؛ مانند:

«به سوی قوم عاد، برادرشان هود را فرستادیم». (اعراف: ۶۵)

«به سوی اهل مدین، برادر آنها شعیب را فرستادیم». (اعراف: ۸۵)

دسته دوم: این آیات، کسانی را که در شرک، کفر، نفاق و معصیت اشتراک دارند، برادر یکدیگر خوانده است:

«آنها را برادرانشان به گم راهی می کشانند». (اعراف: ۲۰۲)

این آیه درباره مشرکان است و منظور از برادران ایشان، شیطان های جنی اند که سبب گم راهی آنها می شوند.

«إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ؛ اسراف کاران برادران شیطان ها هستند». (اسراء:

اسراف کار و شیطان از نظر سنخیت و ملازمت مانند دو برادر مهربان هستند که همیشه باهمند. (۱)

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ؛ مانند کافران نباشید که به برادران خود گفتند...» (آل عمران: ۱۵۶) که منظور، گروه دیگری از کافران و هم کیشان آنهاست.

دسته سوم: کسانی که در پاکی و صفا مشترکند و اختلافی ندارند، برادر یکدیگر خوانده شده اند:

«إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ؛ بهشتیان برادرانه بر تخت هایی روبه روی یکدیگر نشسته اند.» (۲) یعنی بین آنها هیچ گونه اختلافی نیست و از این رو، برادر خوانده می شوند. در آیه ای دیگر خطاب به حضرت مریم آمده است:

«يَا أُخْتِ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأًا سَوْءًا؛ ای خواهر هارون، پدر تو انسانی ناصالح نبود.» (مریم: ۲۸) حضرت مریم خواهر نسبی حضرت هارون نبود، ولی در صلاحیت و پاکدامنی همچون او بود و از این رو، خواهر او خوانده شده است. (۳)

و ولی دسته چهارم، آیاتی است که درباره برادری دینی بین مؤمنان است و در این جا برخی از آنها را بررسی می کنیم:

۱. برقراری صلح

ص: ۶

۱- ۱. علامه طباطبایی، المیزان، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۱ ه. ق، ج ۳، ص ۱۱۲.

۲- ۲. حجر: ۴۷.

۳- ۳. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، دارالکتاب العربی، ص ۸.

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ؛ مؤمنان برادر یکدیگرند، پس میان دو برادر خود صلح برقرار سازید». (حجرات: ۱۰)

در مورد شأن نزول این آیه، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برای نمونه، گفته‌اند: دو نفر از انصار با هم اختلاف پیدا کردند. یکی از آنها به دیگری گفت: من حقم را به زور از تو خواهم گرفت؛ زیرا جمعیت قبیله من بیشتر است. دیگری گفت: برای قضاوت نزد پیامبر برویم. اما نفر اول نپذیرفت و اختلاف بالا گرفت، تا آن جا که گروهی از دو قبیله به یکدیگر حمله کردند. (۱) در این هنگام، این آیات نازل شد و این قانون کلی و عمومی را برای همیشه و همه جا اعلام کرد که: هرگاه در میان دو گروه از مؤمنان نزاع و جنگ روی دهد، در میان آنها صلح برقرار کنید.

وظیفه همه مسلمانان است که از درگیری و خون‌ریزی میان مسلمانان جلوگیری کنند و خود را در این زمینه مسئول بدانند، نه نظاره‌گر.

سپس، در ادامه همان آیه، وظیفه دوم مؤمنان را چنین بیان می‌کند که: «اگر یکی از این دو گروه بر دیگری تجاوز و ستم کرد [و تسلیم پیشنهاد صلح نشد]، شما موظفید با طایفه سرکش و ظالم پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد».

به این ترتیب، خداوند جلوگیری از ظلم و ستم را هر چند به بهای جنگ با ظالم لازم شمرده و ارزش اجرای عدالت را از خون مسلمانان نیز بالاتر دانسته است.

سپس آیه، دستور سوم را بیان می‌کند و می‌فرماید: «اگر طایفه ظالم تسلیم حکم خدا شود [و زمینه صلح به وجود آید]، در میان آن دو، بر پایه اصول عدالت صلح

ص: ۷

برقرار کنید».

یعنی تنها شکسته شدن قدرت طایفه ظالم کافی نیست، بلکه این پیکار باید زمینه ساز صلح باشد.

در آیه بعد، برای بیان علت این دستورها می فرماید:

«مؤمنان برادر یکدیگرند؛ بنابراین، در میان دو برادر خود صلح برقرار کنید».

همان اندازه که برای ایجاد صلح در میان دو برادر نسبی تلاش و کوشش می شود، باید در میان مؤمنان ناسازگار هم برای برقراری صلح به طور جدی عملی شود.

بر پایه این اصل مهم اسلامی، مسلمانان از هر نژاد، هر قبیله و با هر زبان و سن و سالی با یکدیگر احساس برادری می کنند.

به تعبیر دیگر، اسلام تمام مسلمان ها را همانند یک خانواده می داند و همه را خواهر و برادر یکدیگر خطاب می کند؛ نه تنها در لفظ و شعار که در عمل و تعهدهای متقابل نیز همه خواهر و برادرند.

۲. وحدت، زمینه برادری است

خداوند می فرماید:

«و همگی به ریسمان خدا چنگ زنی و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید؛ آن گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید. پس میان دل های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید». (آل عمران: ۱۰۳)

براساس این آیه، وحدت زمینه ساز برادری است؛ یعنی کسانی می توانند برادر دینی شوند که به ریسمان الهی چنگ زنند و بر پایه آن متحد شوند و آن گاه به مقام برادری برسند.

ص: ۸

۳. دعا برای برادران دینی

«پروردگارا! بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند، بیخشای». (حشر: ۱۰)

الفت و دوستی میان مسلمانان صدر اسلام به اندازه ای بود که حتی مرگ نیز نمی توانست پیوند میان آنها را قطع کند؛ به گونه ای که در گذشتگان را برادر خود یاد می کردند و برای آنها دعا می کردند. علامه طباطبایی می گوید: «این که مسلمانان، به مسلمانان پیش از خود، برادر می گفتند، اشاره به این نکته است که آنها را از خود می دانند، همچنان که قرآن درباره همه مسلمانان فرموده: «بعضکم من بعض؛ شما بعضی از جنس بعضی دیگر هستید.» (نساء: ۲۵) پس مسلمانان یکدیگر را دوست می دارند، همان گونه که خود را دوست می دارند و برای یکدیگر دوست می دارند، آنچه را برای خود دوست می دارند.» (۱)

۴. نماز و زکات؛ شرط برادری

«پس اگر توبه کنند و نماز برپا دارند و زکات دهند، در این صورت برادران دینی شما می باشند.» (توبه: ۱۱)

خداوند در این آیه، ملاک و شرط برادری را ادای نماز و پرداخت زکات می داند.

از آن رو که برادری، امری اعتباری است که خداوند میان مسلمانان برقرار کرده است تا افزون بر آثار کلان آن، حقوقی را برگردن آنها نهد. بنابراین، نمی توان کسانی را که عبادات مهمی، همچون نماز و زکات را به

ص: ۹

جا نمی آورند، برادر دینی دانست. پس ویژگی کسانی که برادر دینی هستند، بر پایی نماز و کمک از اموال خود به فقیران است.

فصل دوم: سیر تاریخی اخوت در اسلام

نخستین عقد برادری

پیشینه اخوت به نخستین سال های ظهور اسلام و دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله می رسد. دعوت پیامبر تا سه سال پس از بعثت، پنهانی بود و آن حضرت اسلام را به کسانی که آمادگی فکری بالاتری برای پذیرش داشتند عرضه می کرد. پس از گذشت سه سال، پیامبر مأمور شد دعوت خویش را آشکار کند و برای این کار، نخست خویشاوندان خود را به اسلام فراخواند: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ؛ خویشاوندان نزدیک خود را از عذاب الهی بترسان». (شعراء: ۲۱۴)

پیامبر نیز پس از بررسی جوانب کار، به حضرت علی علیه السلام که در آن هنگام بیش از سیزده یا پانزده سال نداشت، فرمود که غذایی آماده کند. سپس چهل و پنج نفر از سران بنی هاشم را دعوت کرد و تصمیم گرفت به هنگام پذیرایی از مهمانان، راز نهفته را آشکار کند، ولی پس از صرف غذا، پیش از آن که او آغاز به سخن کند، ابولهب عموی پیامبر با سخنان سبک و بی اساس خود، آمادگی مجلس را برای طرح موضوع رسالت از بین برد. پیامبر مصلحت دید که طرح موضوع را به فردا موکول کند. روز بعد، پیامبر صلی الله علیه و آله پس از صرف غذا، رو به خویشان سخن خود را با ستایش خدا و اعتراف به وحدانیت او آغاز کرد و فرمود: «به خدایی که جز او خداوندی

نیست، من فرستاده خدا به سوی شما و تمام جهانیان هستم. هان، ای خویشان من، شما مانند خفتگان می میرید و مثل بیداران زنده می شوید و براساس کردار خود مجازات می شوید.» سپس فرمود: «خدایم به من فرمان داده تا شما را به جانب او بخوانم. کدام یک از شما پشتیبان من خواهد بود تا برادر و وصی و جانشین من میان شما باشد؟»

هنگامی که سخنان آن حضرت به این جا رسید، سکوت مجلس را فرا گرفت. ناگاه حضرت علی علیه السلام برخاست و عرض کرد: «ای پیامبر خدا! آماده پشتیبانی از شما هستم.» پیامبر دستور داد تا بنشیند و گفته خود را سه بار تکرار کرد، ولی به غیر از همان جوان سیزده یا پانزده ساله، کسی پرسش او را پاسخ نگفت. در این هنگام، پیامبر رو به خویشاوندان خود کرد و فرمود: «این جوان، برادر و وصی و جانشین من میان شماست. به سخنان او گوش دهید و از او پیروی کنید.» (۱)

مطرح کردن اخوت و همچنین وصایت و جانشینی، بی درنگ پس از دعوت به دین اسلام در آن شرایط خاص، نشانه جایگاه و اهمیت بسیار زیادی است که اسلام به این امور داده است. بدین ترتیب، مسئله اخوت همراه و همگام با نخستین دعوت آشکارا به اسلام، در ذهن ها نقش بست و چنانچه در ادامه بحث خواهیم دید، جایگاه ویژه ای در نزد مسلمانان و سنت پیامبر پیدا کرد.

نخستین عقد برادری عمومی

ص: ۱۱

۱- ۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۲، برگرفته از: جعفر سبحانی، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۱۰۲.

پس از دعوت آشکار پیامبر، کم کم بر تعداد مسلمانان افزوده شد. بزرگان قریش و مشرکان مکه در آغاز، به فعالیت پیامبر و پیروان او چندان اهمیت نمی دادند، ولی با شروع رشد و گسترش اسلام در بین قبایل مختلف، به ویژه در میان ضعیفان و بردگان، کم کم احساس خطر کردند و به فکر چاره افتادند. نخست در پی تطمیع پیامبر برآمدند. بدین منظور گروهی از بزرگان مکه نزد ابوطالب، عموی پیامبر رفتند و گفتند: «ما حاضریم ثروت و قدرت و... در اختیار او بگذاریم؛ به شرط آن که از دعوت خود دست بردارد»، ولی پیامبر خواسته آنان را رد کرد. آنان وقتی از تطمیع پیامبر ناامید شدند، آزار و اذیت او و پیروانش را آغاز کردند. تاریخ، صحنه های دردناکی از شکنجه های بی رحمانه مشرکان را گزارش کرده است. با شدت یافتن آزار و اذیت مشرکان، مسلمانان نزد پیامبر رفتند و اجازه خواستند تا به سرزمینی دیگر هجرت کنند. پیامبر نیز با خواسته آنان موافقت کرد و فرمود: «خوب است به سرزمین حبشه بروید؛ زیرا در آن جا پادشاهی است که به کسی ظلم نمی کند و آن جا سرزمین درستی و صدق است.»^(۱) سپس برخی از مسلمانان به آن جا مهاجرت کردند، ولی چندی بعد، با ادامه آزار بی رحمانه مشرکان، پیامبر و یارانش به شهر یثرب (مدینه النبی) هجرت کردند.

میان مورخان مشهور است که پیامبر پیش از هجرت به مدینه، بین مسلمانان مکه (که بعدها مهاجران لقب گرفتند) عقد اخوت بست تا در تحمل آزار و اذیت ها و نیز مشکلاتی که در آینده در راه هجرت برای آنان

ص: ۱۲

۱- ۱. ابن هشام، السیره النبویه، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۳۴۴.

پیش می‌آمد، یار و یاور یکدیگر باشند. آن گونه که در کتاب‌های تاریخ آمده است، پیامبر بین ابوبکر و عمر، حمزه بن عبدالمطلب و زید بن حارثه، عثمان و عبدالرحمن بن عوف، زبیر و ابن مسعود، بلال و عباد بن حارثه، مصعب بن عمیر و سعد بن ابی وقاص و... عقد اخوت بست(۱) و بدین ترتیب، برادری دینی برای نخستین بار پس از مطرح شدن در یوم الدار (روزی که پیامبر خویشاوندانش را به اسلام دعوت کرد و حضرت علی علیه السلام را به برادری برگزید) در سطح عموم مسلمانان به وجود آمد.

پیوند برادری در مدینه

با هجرت مسلمانان به مدینه، فصل جدیدی در تاریخ اسلام گشوده شد. پیامبر خواهان پی ریزی یک جامعه اسلامی و در رأس آن حکومت اسلامی بود. از این رو، نخست دستور داد مسجدی ساخته شود تا پایگاه و مرکز اجتماع مسلمانان برای عبادت و نیز فعالیت‌های آموزشی، سیاسی، نظامی، قضایی و... باشد. پس از این کار، پیامبر بر آن شد تا مسلمانان را برای ایجاد این نظام اسلامی و پاسداری و نگه‌داری از آن آماده کند. روشن است که ایجاد یک حکومت صالح و پدید آمدن امتی یکپارچه، جز در سایه پیوند محکم انسان‌های مؤمن میسر نمی‌شود. اختلاف‌های میان مسلمانان، سدّ بزرگی بر سر راه تحقق این اهداف والا بود. از یک سو، اختلاف میان مهاجران و انصار که دو روحیه متفاوت داشتند و پرورش یافته دو محیط مختلف بودند و از سوی دیگر، اختلاف میان خود مردم مدینه، به ویژه

ص: ۱۳

۱- ۱. جعفر مرتضی‌العاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، دارالهادی _ دارالسیره، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۲۲۹؛ علی بن برهان الدین الحلبي، السیره الحلبیه، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۲۹۲.

قبایل اوس و خزرج که به سبب جنگ های طولانی، عمق و شدت زیادی داشت.

عقد اخوت، کلیدی بود برای زدودن این اختلافات. از این رو، پیامبر نخست بین دو تیره از انصار (مردم مدینه) یعنی اوس و خزرج، پیمان برادری برقرار کرد تا در سایه اتحاد و دوستی، دو ستون اصلی ارتش اسلام تشکیل شود. سپس دستور داد پیروان او از مهاجر و انصار با یکدیگر برادر شوند. به گفته تاریخ، پیامبر چند ماه و به نقلی هشت ماه پس از هجرت (۱)، روزی برخاست و فرمود: «تَأَخَّوْا فِي اللَّهِ أَخَوَيْنِ أَخَوَيْنِ؛ در راه خدا دوتا دوتا با یکدیگر برادر شوید» (۲).

مورخان درباره تعداد مسلمانان در آن زمان اختلاف دارند. بنا بر مشهور، تعداد آنها نود نفر بوده است؛ یعنی ۴۵ نفر از مهاجران و ۴۵ نفر از انصار. ابن جوزی می گوید: «من آنها را شمردم، صد و هشتاد و شش نفر بودند» (۳). نقل های دیگری نیز وجود دارد، مانند صد نفر و سیصد نفر (۴).

اما شاید بتوان بین این دیدگاه ها جمع کرد؛ زیرا پیامبر پس از واقعه مؤاخات (عقد برادری در مدینه) نیز به بستن عقد اخوت بین مسلمانان ادامه داد؛ یعنی کسانی که تازه مسلمان می شدند و یا تازه به مدینه می رسیدند را با انصار برادر می کرد. بنابراین، شاید منظور کسانی که عدد بالاتری را ضبط

ص: ۱۴

۱- ۱. علی اکبر رشاد دانشنامه امام علی علیه السلام، ج ۸، ص ۱۶۳، در برخی کتاب های تاریخی نیز به تاریخ این رویداد اشاره شده است.

۲- ۲. السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۲۴.

۳- ۳. الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۴، ص ۲۲۷.

۴- ۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، دارالأضواء، ج ۱۹، ص ۱۳۰.

کرده اند، پس از واقعه مؤاخات است؛ زیرا روزبه روز بر تعداد آنها افزوده می شد.

آن گونه که تاریخ نگاران ثبت کرده اند، پیامبر در مدینه بین ابوبکر و خارجه بن زید انصاری خزرجی، عمر و عتبان بن مالک انصاری خزرجی، حمزه و زید بن حارثه، ابو عبیده جراح و سعد بن معاذ (بزرگ قبیله اوس)، عمار یاسر و حذیفه بن الیمان، بلال حبشی و عبدالله بن عبدالرحمن الخثعمی، عثمان بن عفان و اوس (یا اوت) بن ثابت و... عقد اخوت بست که بر پایه روایات، این کار در خانه انس بن مالک (۱) انجام گرفته است.

ایجاد پیوند برادری بین مسلمانان _ پس از ساختن مسجد _ مهم ترین و مؤثرترین عامل در پی ریزی موفق جامعه و حکومت اسلامی بود که پیامبر اسلام با ژرف اندیشی خود به آن اقدام کرد. همان گونه که گفتیم، بستن عقد اخوت بین مسلمانان، پس از واقعه مؤاخات نیز ادامه یافت و تازه مسلمانان و مهاجران جدید نیز به این پیمان پیوستند. بنا بر گفته بلاذری در انساب الاشراف، هیچ مهاجری بدون برادر و انواده نشد. همچنین گزارش هایی درباره عقد خواهری رسیده است که برای نمونه حضرت فاطمه سلام الله علیها با ام سلیم عقد خواهری داشته اند. (۲)

عقد برادری در سال نهم هجرت

اُخوتی که در سال نخست هجرت بین مهاجران و انصار به وجود آمد،

ص: ۱۵

۱- ۱. السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۲۹۱.

۲- ۲. به نقل از تهذیب تاریخ دمشق، ج ۶، ص ۱۰، رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، انتشارات دلیل، ۱۳۸۰، ج ۱، ص

اهمیت بسیاری داشت که در گام اول برای حمایت از مهاجران رنج دیده و بی سرپناه و دلگرمی آنان بود. از این رو، پیامبر بین غنی و فقیر عقد برادری بست تا غنی به فقیر کمک کند. ولی آنچه اهمیت بیشتری دارد، برادری همه مسلمانان با یکدیگر است که در سال نهم هجرت، یعنی زمانی که اسلام عزت و شوکت یافته بود، با نزول آیه «أَنَّما الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) بر آن تأکید شد. در بحارالانوار (۱) آمده است: «هنگامی که آیه «انما المؤمنون اخوه» نازل شد، پیامبر بین افرادی که نظیر و شبیه یکدیگر بودند، پیمان برادری بست: ابوبکر و عمر... ابوذر و ابن مسعود، سلمان و حذیفه... مقداد و عمار، عایشه و حفصه، زینب بنت جحش و میمون، ام سلمه و صفیه».

تا پیش از نزول این آیه گمان می شد که ایجاد پیوند برادری بین مسلمانان، کاری هوشمندانه و خردمندانه از سوی شخص پیامبر در مقام رهبر دینی و سیاسی است که هدف آن بنیان نهادن یک جامعه اسلامی و فراهم کردن پشتوانه معنوی آن بوده است، اما نزول این آیه آشکار کرد که این پیوند تنها یک شیوه سیاسی برای ایجاد وحدت و یکپارچگی بین امت اسلام نبود، بلکه بخشی از آیین اجتماعی اسلام است که خداوند متعال تشریح کرده است.

عقد برادری در روز مباحله

در بحارالانوار (۲) آمده است که پیامبر در روز مباحله نیز بین مهاجر و انصار عقد اخوت را تکرار کرد. پس از فتح مکه، گروهی از سران مسیحی شهر

ص: ۱۶

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۳۳۵.

۲- ۲. همان، ص ۳۴۳.

«نجران» برای دیدار با پیامبر به مدینه آمدند و پرسش هایی درباره حضرت مسیح علیه السلام مطرح کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ داد: «او بنده و رسول خدا بود.» اما آنان سخن پیامبر را نپذیرفتند. در این هنگام، آیاتی از سوره آل عمران نازل شد که بیانگر پاسخ آنها بود. در یکی از آیه ها آمده است:

فَمَنْ حَبَّكُمُ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكُمُ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ.

هر کس با تو درباره عیسی در مقام مجادله برآید، پس از آن که به وحی خدا آگاهی یافتی، به آنان بگو بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و خویشان نزدیکمان و خویشان نزدیکتان را فراخوانیم، سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ گویان قرار دهیم. (آل عمران: ۶۱)

بدین ترتیب، پیامبر، به امر خدا، نصارای نجران را به مباحله دعوت کرد و آنها نیز پذیرفتند و قرار شد روز بعد برای مباحله حاضر شوند. روز بعد، پیامبر در حالی که دست حسن و حسین علیهما السلام را در دست داشت و فاطمه سلام الله علیها پشت سر ایشان و حضرت علی علیه السلام جلوی آن حضرت می رفتند، برای مباحله حاضر شدند. یکی از بزرگان نجران با دیدن این وضع گفت: «من مردی را می بینم که با تمام جدّیت آماده مباحله است و از آن می ترسم که در ادعای خود راستگو باشد.»

از این رو، از مباحله با پیامبر سر باز زدند و حاضر به مصالحه و پرداخت جزیه شدند. این روز در تاریخ به روز مباحله مشهور شد و پیامبر پس از این ماجرا، برای چندمین بار میان مسلمانان عقد برادری بست. گفتنی است اخوتی که در تاریخ اسلام بیشتر مشهور شده است، همان نخستین عقد

اخوت میان مهاجر و انصار پس از هجرت به مدینه است که آن را «واقعه مؤاخات» نامیده اند.

فصل سوم: عقد برادری پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام

در یوم الدار

همان گونه که گفته شد، اخوت نخستین بار در یوم الدار مطرح شد. پیامبر پس از آن که سه بار خویشان خود را به پذیرفتن دعوتش فراخواند و در هر سه بار، تنها حضرت علی علیه السلام اعلام آمادگی کرد، فرمود: «این جوان، برادر و وصی و جانشین من میان شماست؛ به سخنان او گوش دهید و از او پیروی کنید.»^(۱) و بدین ترتیب، در آغاز دعوت آشکار پیامبر، حضرت علی _ نخستین ایمان آورنده به اسلام _ به برادری پیامبر برگزیده شد.

پیش از هجرت

بین تاریخ نویسان مشهور است که پیامبر چندی پیش از هجرت به مدینه، بین مهاجران عقد اخوت بست. در بحارالانوار آمده است: «شخصی نزد ابن عمر آمد و از علی علیه السلام سؤال کرد. ابن عمر گفت: این خانه رسول خدا و این خانه علی است و اگر می خواهی، از او برایت بگویم. گفت: آری. ابن عمر گفت: پیامبر میان مهاجران عقد اخوت بست تا این که فقط علی ماند. پس علی به پیامبر عرض کرد: ای رسول خدا، میان مهاجران عقد اخوت بستی. پس برادر من کیست؟ پیامبر فرمود: آیا راضی نیستی که برادر

ص: ۱۸

۱- ۱. تاریخ طبری، ج ۲، صص ۳ - ۶۲ برگرفته از: جعفر سبحانی، فراهایی از تاریخ اسلام، ص ۱۰۲.

من در دنیا و آخرت باشی؟ علی علیه السلام فرمود: آری. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پس تو برادر من در دنیا و آخرت هستی» (۱).

پس از هجرت

چند ماه پس از هجرت مسلمانان به مدینه، پیامبر بین مهاجران و انصار عقد اخوت بست. این واقعه که دارای تواتر تاریخی و روایی است، با عبارت هایی با اختلاف کم نقل شده است که در این جا برخی از آنها را می آوریم.

از ابن عباس نقل شده است: «هنگامی که پیامبر بین مهاجران و انصار عقد اخوت بست؛ میان ابوبکر و عمر، عثمان و عبدالرحمن بن عوف و... برادری برقرار کرد، ولی علی بن ابی طالب علیه السلام را با کسی برادر نکرد. سپس علی علیه السلام با ناراحتی از نزد پیامبر بیرون رفت و در جایی دست ها را زیر سر گذاشت و روی زمین خوابید؛ در حالی که باد می وزید و گرد و غبار بر چهره ایشان می ریخت. پیامبر صلی الله علیه و آله در جست و جوی او برآمد و وی را در آن حالت بر روی زمین دید. پس با سر انگشت پا به او زد و فرمود: برخیز ای علی، همانا تو شایسته ای که پدر خاک (ابوتراب) باشی. آیا ناراحت شدی که بین مهاجران و انصار عقد اخوت بستم و تو را برادر هیچ یک از آنان قرار ندادم؟ آیا راضی نیستی که مقام و منزلت تو به من، مانند مقام و منزلت هارون به برادرش موسی علیه السلام باشد؟ با این تفاوت که پیامبری بعد از من نخواهد آمد. هر کس تو را دوست داشته باشد، امن و ایمان او را در بر

ص: ۱۹

خواهد گرفت و کسی که بر تو خشم گیرد، خداوند او را به مرگ جاهلی می میراند» (۱).

در نقل دیگری آمده است: «حضرت علی علیه السلام از این مسئله بسیار غمگین شد و عرض کرد: ای رسول خدا، پدر و مادرم به فدایت! چرا بین من و شخصی برادری برقرار نساختی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی، به خدا سوگند تو را برای خودم نگه داشتم. آیا راضی نیستی که برادر من باشی و من هم برادر تو باشم؟ تو وصی و وزیر و جانشین من در امتم هستی. تو دین مرا می پردازی و وعده های مرا ادا می کنی و غسل مرا به عهده می گیری و غیر از تو کسی این کار را انجام نمی دهد. تو نزد من به منزله هارون نسبت به موسی هستی؛ جز این که پس از من پیامبری نیست. پس علی علیه السلام با این سخنان خوشحال شد» (۲).

در روایت دیگری نیز چنین آمده است: «علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا، بین اصحابت اخوت بستی و مرا رها کردی. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تو برادر من هستی. آیا راضی نیستی که خواننده شوی، هنگامی که من خواننده می شوم و پوشاننده شوی، هنگامی که من پوشاننده می شوم و وارد بهشت شوی، هنگامی که من وارد بهشت می شوم؟ علی علیه السلام فرمود: بله یا رسول الله» (۳).

همچنین ترمذی و سمعانی و نطنزی از بزرگان اهل سنت نیز این واقعه را

ص: ۲۰

۱- ۱. علی بن محمد، ابن صباغ، الفصول المهمه، ص ۲۲.

۲- ۲. بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۳۳۴.

۳- ۳. تاریخ البلاذری، برگرفته از: بحار الانوار.

از زیدبن ابی اوفی و زیدبن ارقم نیز (با اندک اختلافی در لفظ) نقل شده است که: «بر پیغمبر خدا در مسجدش وارد شدم. حضرت فرمود: فلان بن فلان کجاست؟ و به همین ترتیب یکایک اصحاب خود را نظر می کرد و از حال آنهایی که نبودند جويا می شد و شخصی را به دنبال آنان می فرستاد تا همه در نزد آن حضرت جمع شدند. سپس حمد و ثنای خدا را به جا آورد و بین آنها عقد اخوت برقرار کرد. حضرت علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا، من وقتی دیدم آنچه با اصحابت انجام دادی و بین آنها برادری نهادی و با من چنین نکردی، نزدیک بود جان از قالب من برون آید و کمر من خرد شود. اگر این از جهت ملالتی است که از من پیدا کرده ای، پس بخشش و بزرگواری از تو و برای توست. پیامبر فرمود: سوگند به آن خدایی که مرا به حق برگزید، من عقد برادری تو را به تأخیر نینداختم؛ مگر برای این که تو را برای خودم خواستم. منزلت تو به من، همانند منزلت هارون به موسی است؛ با این تفاوت که پس از من پیامبری نخواهد بود و تو برادر و وارث من هستی. حضرت علی علیه السلام فرمود: چه چیز از شما به ارث می برم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آنچه را انبیای پیش از من برای اوصیای خود به ارث می گذاشتند. علی علیه السلام عرض کرد: پیامبران قبل از شما چه چیز به ارث می گذاشتند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کتاب خدا و سنت پیامبر خدا. تو در بهشت با من، در قصر من و با دخترم فاطمه هستی. تو برادر و رفیق من

ص: ۲۱

هستی. سپس پیامبر این آیه را خواند: «و إخوانا علی سُرُرٍ متقابلین؛ بهشتیان برادرانه بر تخت هایی روبه روی یکدیگر نشسته اند». (حجر: ۴۷) (۱)

احمد بن حنبل در مسند خود آورده است که: «پیامبر صلی الله علیه و آله بین مردم برادری قرار داد و علی علیه السلام را وا گذاشت تا این که کسی از اصحاب نماند. علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا، بین مردم عقد اخوت بستی و مرا وا گذاشتی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: گمان می کنی برای چه کسی تو را نگاه داشتم؟ من تو را برای خودم وا گذاشتم. تو برادر من هستی و من برادر تو هستم. اگر کسی بر تو افتخار کند و فخر بفروشد، بگو من بنده خدا و برادر رسول خدا هستم. این اخوت را بعد از تو هیچ کس ادعا نمی کند، مگر دروغ گو».

در بحارالانوار به نقل از تاریخ البلاذری و السلامی و... آمده است: «هنگامی که آیه «انما المؤمنون اخوه» نازل شد، پیامبر بین افرادی که نظیر و شبیه یکدیگر بودند عقد اخوت بست: بین ابوبکر و عمر و...، تا این که بین همه اصحاب براساس منزلت هایشان برادری برقرار کرد. سپس به حضرت علی علیه السلام فرمود: ای علی، تو برادر من و من برادر تو هستم». (۲)

تواتر تاریخی برادری پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام

واقعه مؤاخات جزو متواترات تاریخ اسلام است. به جز منابع شیعه، پنجاه منبع از اهل سنت _ بنا بر گردآوری علامه امینی در کتاب ارزشمند الغدیر _

ص: ۲۲

-
- ۱- ۱. هاشم حسینی بحرانی، غایه المرام، صص ۴۸۰ و ۴۸۱، ح پانزدهم و هجدهم.
 - ۲- ۲. ابی جعفر محمد بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، دارالاضواء، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۶۶. برگرفته از: بحارالانوار، ج ۳۸، صص ۳۳۵ و ۳۳۶.

این واقعه را بیان کرده اند:

۱. الجامع الصحيح، ترمذی، محمد بن عیسی، ج ۲، ص ۲۱۳
۲. الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ابن عبدالبر، یوسف بن عبداللّه، ج ۲، ص ۴۶۰
۳. تیسیر الوصول الی جامع الاصول من حدیث الرسول، ابن اثیر، مبارک بن محمد، ج ۳، ص ۲۷۱
۴. الرياض النصره فی مناقب العشره، محب الدین الطبری، ج ۲، صص ۱۵۵، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۸۱، ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۲۶ و ۲۴۹
۵. الفصول المهمه، ابن صباغ، علی بن محمد، صص ۲۲ _ ۲۹
۶. السیره النبویه، ابن سید الناس، ج ۱، صص ۲۰۱_۲۰۳
۷. البدايه والنهایه (تاریخ ابن کثیر)، ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ج ۳، ص ۲۲۶ و ج ۷، صص ۳۳۵_۳۵۹
۸. أسنى المطالب فی مناقب سیدنا علی بن ابی طالب، ابن جزری، محمد بن محمد، ص ۹
۹. الامامه و السیاسه (تاریخ الخلفاء)، ابن قتیبه، عبداللّه بن مسلم، ص ۱۱۴
۱۰. الاصابه فی تمییز الصحابه، ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ج ۲، ص ۵۰۷
۱۱. شرح المواهب، زرقانی، محمد بن عبدالباقی، ج ۱، ص ۳۷۳
۱۲. السیره الحلیّه، علی بن برهان الدین الحلبي، ج ۱، صص ۲۳، ۱۰۱ و ج ۲، ص ۱۰۱
۱۳. السیره النبویه، احمد زینی الدحلان، ج ۱، ص ۳۲۵

ص: ۲۳

١٤. تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر، علي بن حسن، ج ٦، ص ٢٠١

١٥. كنز العمال، علاء الدين المتقي بن حسام الدين الهندي، ج ٦، صص ١٥٤، ١٥٥، ١٦١، ٣٩٠، ٣٩٤، ٣٩٦، ٣٩٨، ٣٩٩، ٤٠٢ و ٤٠٤

١٦. الفتاوى الحديثية، ابن حجر هيثمي، احمد بن محمد، ص ٤٢

١٧. مسند الامام احمد بن حنبل، ج ١، ص ٢٣٠

١٨. المحاسن و المساوي، بيهقي، ابراهيم بن محمد، ج ١، صص ٣١ _ ٣٥

١٩. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، هيثمي، علي بن ابي بكر، ج ٩، صص ١١١، ١٢١، ١٢٢، ١٣١ و ١٣٤

٢٠. المناقب، خوارزمي، محمد بن موفق، صص ٦٧، ٨٣، ٩٥، ٢٣٤، ٢٣٨ و ٢٤٥

٢١. فيض القدير فيما يتعلق بحديث الغدير، كنتوري، حامد حسين بن محمد علي، ج ٤، ص ٣٥٥

٢٢. حليه الاولياء و طبقات الاصفياء، ابونعيم، احمد بن عبدالله، ج ١، ص ٦٧

٢٣. شرح ابن ابي الحديد بر نهج البلاغه، ج ١، ص ٣٦٩ و ج ٢، صص ٦١، ٤٤٩ و ٤٥١ و ج ٣، صص ٣٩، ٢٥٧ و ٢٩٣

٢٤. فرائد السمطين، جويني، ابراهيم بن محمد، باب ٢٠، ٢٤، ٣٠، ٤٤، ٤٩، ٥٠ و ٥٧

٢٥. نزهة المجالس و منتخب النفائس، صفوري، عبدالرحمن بن عبدالسلام، ج ٢، صص ٢٢٣ _ ٢٤١

٢٦. ذخاير العقبى في مناقب ذوى القربى، صص ٩٠، ٩١، ٩٢ و ١٠٠

٢٧. تاريخ بغداد، خطيب بغدادى، احمد بن علي، ج ١١، ص ١١٢

٢٨. سنن ابن ماجه، ج ١، ص ٥٧

ص: ٢٤

٢٩. عقد الفريد، شهاب الدين احمد بن محمد، ج ٢، ص ٢٧٥
٣٠. تاريخ طبري، طبري، محمد بن جرير، ج ٢، ص ٣١٢
٣١. مروج الذهب، مسعودي، علي بن حسين، ج ٢، ص ٥٩
٣٢. تذكره خواص الأمه، ابوالمظفر سبط بن الجوزي، صص ١٣، ١٤، ١٥ و ١٧
٣٣. كفايه الطالب، صدرالحقّاط الكنجي الشافعي، صص ٧٧، ٨٢، ٨٣، ٨٤ و ٩٥
٣٤. المواقف، مزالي، محمد بن موسى، ج ٣، ص ٢٧٦
٣٥. الامتاع، مقرئزي، ص ٣٤٠
٣٦. تاريخ ابن هشام، ج ٢، ص ١٢٣
٣٧. الامام علي بن ابي طالب، استاد محمدرضا، ص ٢١
٣٨. الامام علي بن ابي طالب، استاد عبدالفتاح عبدالمقصود، ص ٧٣
٣٩. مطالب السؤل، محمد بن طلحه شافعي، صص ١٨ و ١٩
٤٠. مشكاه المصاييح، محمد بن عبدالله خطيب تبرئزي، ج ٥، ص ٥٦٩
٤١. الصواعق، احمد بن حجرالهيتمي، صص ٧٣، ٧٥، ٨٤ و ١٠٧
٤٢. الطبقات الكبرى، عبدالوهاب بن احمد الشعراني، ج ٢، ص ٥٥.
٤٣. شمس الاخبار، علي بن حميد القرشي، صص ٣٢ _ ٣٥
٤٤. مصباح الظلام، محمدرضا بن طبسي نجفي، ج ٢، ص ٥٦
٤٥. خصائص علي بن ابي طالب، احمد بن شعيب النسائي، صص ٣ _ ١٨
٤٦. مصاييح البغوي، ج ٢، ص ١٩٩
٤٧. مستدرک الحاكم، ج ٣، صص ١٤ _ ١٢٦

۴۸. کفایه الشنقیطی، صص ۲۴، ۳۴، ۳۵ و ۴۴

۴۹. تاریخ الحطیب، ج ۱۲، ص ۲۶۸ و ج ۷، ص ۳۸۷

۵۰. تاریخ القرمانی، ج ۱، ص ۲۱۶ (۱)

منکران این واقعه

با توجه به تواتر روایات باب اخوت، چه از سوی شیعه و چه از سوی اهل سنت، جایی برای شک یا انکار در برادری پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام باقی نمی ماند. با این همه، افرادی همچون ابن تیمیّه (۲) (از بنیان گذاران فرقه وهابیت) و ابن کثیر (۳) و ابن حزم (۴) که ناصبی هستند و در مخالفت با فضایل حضرت علی علیه السلام تعصب دارند، این قضیه را انکار کرده اند. دلیلی که آنها برای انکار خود می آورند، این است که اخوت بین مهاجران و انصار برای ایجاد رفق و مهربانی و نیز الفت بین قلب ها بود؛ زیرا آنها بیگانه از یکدیگر و پرورش یافته دو محیط متفاوت بودند، ولی در این میان جایگاه پیامبر که خود یکی از مهاجران است، با بقیه فرق دارد. او نمی تواند فقط با یکی از مسلمانان برادر باشد، بلکه باید به طور یکسان با همه مسلمانان، چه مهاجر و چه انصار، رابطه دوستی و برادرانه داشته باشد. از سوی دیگر، عقد اخوت برای از بین بردن فاصله مهاجران و انصار و نیز کمک مالی و روحی به مهاجران بود. بنابراین، برادری بین دو مهاجر (پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی

ص: ۲۶

۱-۱. عبدالحسین الامینی النجفی، الغدیر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲، ج ۳، صص ۱۱۲ - ۱۲۵.

۲-۲. منهاج السنّه النبویه، ج ۴، ص ۹۶.

۳-۳. البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۲۷۸.

۴-۴. برگرفته از: الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۴، ص ۳۳۳.

علیه السلام) معنایی ندارد.

در جواب باید گفت:

۱. این گونه استدلال‌ها، اجتهاد در برابر نص است؛ یعنی وقتی با تواتر روایی و تاریخی، صحت این حادثه مسلم شد، دیگر جایی برای خدشه کردن و دلیل آوردن بر خلاف آن نیست.

۲. این افراد از حکمت مؤاخات غفلت کرده‌اند؛ زیرا این اقدام برای کمک به مهاجران بود و برخی از مهاجران نسبت به دیگران از نظر مال و قبیله قوی‌تر بودند. بنابراین، کمک و یاری آنان به دیگری امکان داشت. افزون بر آن که انس و الفت میان خود مهاجران نیز مطلوب بود؛ زیرا خود آنان نیز از گروه‌ها و سطح‌های مختلف بودند.

۳. این پیوند برادری، براساس حق و مساوات بود و میان خود مهاجران نیز باید مساوات برقرار باشد.

۴. بنا بر نقل‌هایی با سند معتبر، پیامبر بین زبیر و ابن مسعود و نیز حمزه بن عبدالمطلب و زید بن حارثه و دیگران عقد اخوت بست که همگی از مهاجران بودند. بنابراین، اخوت بین پیامبر و حضرت علی عجیب و نپذیرفتنی نیست.

خود ابن کثیر پس از بیان این خدشه، برای توجیه می‌گوید: «مگر این که بگوییم از آن جا که پیامبر، علی علیه السلام را از دوران کودکی اش سرپرستی می‌کرد، از این رو، در مسئله اخوت او را به دیگران وانگذازد و خودش کمک به او را به عهده گرفت».

اما این توجیه را نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا حضرت علی علیه السلام در آن زمان به مرحله‌ای رسیده بود که می‌توانست با کار و تلاش، زندگی خود را تأمین کند و نیازمند حمایت و سرپرستی دیگران نبود. حق این است که هدف

پیامبر از بستن عقد برادری با حضرت علی علیه السلام، بیان جایگاه و منزلت والای او بود؛ زیرا پیامبر بین هر دو شخصی که شبیه و نظیر یکدیگر بودند، عقد برادری می بست تا موجب همکاری و الفت بیشتر شود.

چرا علی علیه السلام؟

اشاره

پس از اثبات تاریخی _ روایی برادری پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام، این پرسش مطرح می شود که چرا پیامبر فرد دیگری جز علی علیه السلام را برای این کار انتخاب نکرد؟ چرا در همه مواردی که پیامبر صلی الله علیه و آله بین مسلمانان عقد اخوت بست، علی علیه السلام را برادر خود قرار داد، در حالی که پس از هجرت به مدینه، جز چند مورد استثنا برای هر مهاجر برادری از انصار تعیین کرد و پیامبر و حضرت علی هر دو از مهاجران بودند.

شاید نخست به نظر برسد که این انتخاب به خاطر محبت فردی و خانوادگی بوده است؛ زیرا حضرت علی، پسر عموی پیامبر بود و افزون بر آن، از زمان کودکی در خانه پیامبر پرورش یافته بود؛ زیرا در آن زمان به علت خشکسالی، وضع مالی ابوطالب مساعد نبود و از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله _ که ثروت خدیجه را در اختیار داشت _ و عباس عموی او _ که مردی ثروتمند بود، _ سرپرستی علی و جعفر را به عهده گرفتند.

بنابراین، طبیعی است که بین پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام انس و الفتی عمیق و استوار باشد. به همین دلیل، پیامبر تنها او را به برادری خویش برگزید.

اما این گمان درست نیست؛ زیرا در این صورت، حمزه عموی پیامبر که از حامیان او به شمار می رفت، برای این کار اولی بود. همچنین فداکاری ها

و جانفشانی های علی علیه السلام در راه اسلام و پیامبر نیز نمی تواند علت خوبی برای این انتخاب باشد؛ زیرا نخست این که دیگرانی هم بودند که در این راه فداکاری های بسیار کرده و آزار و اذیت های فراوانی متحمل شده بودند. دوم این که، در یوم الدار که پیامبر صلی الله علیه و آله برای نخستین بار برادری خود و علی علیه السلام را اعلام کرد، هنوز اسلام مطرح نشده و موقعیتی پیش نیامده بود تا علی علیه السلام در راه اسلام فداکاری کرده باشد.

از این رو، باید در پی دلایل دیگری بود که در زیر، سه مورد را بیان می کنیم:

۱. پیوند آسمانی

انتخاب علی علیه السلام یک اقدام شخصی از سوی پیامبر نبود، بلکه امری بود که از سوی خداوند معین و مقدر شده بود. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

«در روز قیامت از اعماق عرش به من ندا می رسد؛ ای محمد، بهترین پدر، پدر تو، ابراهیم است و بهترین برادر، برادر تو علی بن ابی طالب» (۱). نیز فرموده اند: «اولین کسی که علی علیه السلام را به برادری گرفت، اسرافیل بود و سپس جبرائیل» (۲).

«در ليله المبيت (۳)، هنگامی که علی علیه السلام در بستر پیامبر خوابید، خداوند به جبرئیل و میکائیل وحی کرد: من بین شما برادری برقرار ساختم و عمر

ص: ۲۹

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۳۳۷، به نقل از فضایل العشرة.

۲- ۲. همان، ص ۳۳۵.

۳- ۳. شبی که مشرکان مکه به خانه پیامبر ریختند تا ایشان را به قتل برسانند، ولی خداوند پیامبر را از این نقشه آگاه کرد. در آن شب، پیامبر مخفیانه به مدینه هجرت کرد و حضرت علی علیه السلام در جای ایشان خوابید.

یکی از شما را طولانی تر از دیگری قرار دادم. کدام یک از شما حیات دیگری را بر خود مقدم می دارد؟ پس هر دوی آنها حیات را برگزیدند [و حاضر به گذشت و فداکاری نشدند] خداوند متعال به آن دو وحی کرد: کاش مانند علی بن ابی طالب بودید. بین او و محمد برادری قرار دادم و او در بستر محمد خوابید تا خود را فدای او کند و حیات او را بر خود مقدم کند. به زمین فرود آید و او را از دشمنانش محافظت کنید. در این هنگام، آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ؛ و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد» (بقره: ۲۰۷) نازل شد. (۱)

۲. بیان عظمت و شایستگی جانشینی حضرت علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام، دومین شخصیت جهان اسلام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. عظمت و فضیلت ایشان تا اندازه ای است که نمی توان آن را در قالب تنگ الفاظ گنجانند و بشر نمی تواند از راه های معمولی به جایگاه واقعی او پی برد. از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله در موقعیت ها و پیش آمدهای گوناگون می کوشید این چهره ممتاز را معرفی کند. یکی از اهداف پیامبر صلی الله علیه و آله از اخوت با آن حضرت تبیین فضایل و جایگاه بلند ایشان بود.

سید مرتضی علم الهدی در الشافی می گوید: «نصی که از پیامبر رسیده بر دو گونه است: «برخی با لفظ و آشکارا بر امامت دلالت می کند و برخی دیگر _ چه قول باشد چه فعل _ با نوعی از ترتیب و ترسل بر این امر دلالت دارد... و چه بسا دلالت افعال قوی تر از دلالت اقوال باشد؛ زیرا در

ص: ۳۰

۱- ۱. الغدير، ج ۲، ص ۴۸ برگرفته از: نزهة المجالس و منتخب النفائس، الصفوري، ج ۲، ص ۲۰۹.

قول، مجاز راه دارد، ولی در فعل این گونه نیست... و اخوت پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت علی علیه السلام از جمله این افعال است که بر نهایت فضل آن حضرت و اختصاص داشتن ایشان به آنها دلالت می کند...» دلیل بر این مطلب که این برادری، نشانه فضیلت و عظمت است _ نه این که از روی کمک و مساوات انجام شده باشد _ روایاتی است از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که با افتخار مباحات فرموده است: «من بنده خدا و برادر رسول او هستم و پس از من کسی این ادعا را نمی کند؛ مگر دروغ گو» (۱) اگر این اخوت فضیلتی بزرگ نبود، آن حضرت به آن افتخار نمی کرد و دشمنان او نیز وجود این فخر در آن حضرت را انکار نمی کردند.

گواه دیگر بر این که این مؤاخات وسیله ای برای امامت و سببی برای استحقاق این مقام است، این که آن حضرت در روز شورا، (۲) هنگامی که فضایل و مناقب خود و دلایل استحقاق امامت را برمی شمرد، فرمود: «آیا در میان شما کسی غیر از من هست که پیامبر بین او و خودش عقد برادری بسته باشد؟» (۳)

۳. تنها همپایه پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر صلی الله علیه و آله در بستن عقد اخوت بین مسلمانان، جنبه های روحی و توافق فکری و اندازه انس و رفاقت و همچنین درجات نفسی را به طور کامل

ص: ۳۱

۱- ۱. ابن عبدالبرّ، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۳، ص ۳۵.
۲- ۲. منظور شورایی است که خلیفه دوم هنگام مرگ خود تشکیل داد تا خلیفه پس از او را از بین خود تعیین کنند. اعضای این شورا عبارت بودند از: ۱. حضرت علی علیه السلام ۲. زبیر ۳. طلحه ۴. عثمان بن عفان ۵. عبدالرحمن بن عوف ۶. سعد بن معاذ.

۳- ۳. القندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع المودّه، ص ۱۴۳.

مراعات کرد و میان افرادی که از جهاتی همسان یکدیگر بودند، برادری برقرار کرد. این نکته با بررسی شرح حال افرادی که بین آنها عقد اخوت بسته شده بود تأیید می شود. برای نمونه، می توان به برادری بین ابوذر با مقداد، ابوبکر با عمر و معاویه بن ابی سفیان با حباب بن یزید المجاشعی اشاره کرد. این کار افزون بر آن که پیوند بین برادران را محکم تر می کرد، در تحقق اهداف پیامبر نیز تأثیر به سزایی داشت.

برادر پیامبر نیز باید فردی هم سطح و همپایه ایشان و در ایمان و ویژگی های اخلاقی و صفات انسانی نزدیک ترین شخص به ایشان باشد. این فرد کسی نیست جز حضرت علی علیه السلام که از کودکی زیر نظر پیامبر تربیت شد و نخستین کسی بود که به او ایمان آورد و در همه مراحل بعثت همراه و یاور ایشان بود. بنابراین، جز حضرت علی علیه السلام شخص دیگری شایستگی این مقام، یعنی برادری پیامبر را نداشت.

گفتار و کردار یک انسان کامل الهی همچون پیامبر، سرمشق و الگوی دیگر انسان هاست؛ زیرا آنچه می گوید و انجام می دهد، عبث و بیهوده نیست، بلکه مصلحت و حکمتی ورای آن نهفته است. در قرآن کریم درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ؛ او از سرِ هوس سخن نمی گوید. سخن او به جز وحی نیست.» (نجم: ۳ و ۴)

گفتیم که پیامبر صلی الله علیه و آله در چند مرحله بین مسلمانان عقد اخوت برقرار کرد و در موقعیت های مختلف بر حفظ روابط برادرانه بین آنان تأکید فرمود. در این فصل برآنیم تا اهداف و انگیزه های پیامبر را از این کار بررسی کنیم. ابتدا اهداف پیامبر در شرایط زمانی صدر اسلام را بیان می کنیم و سپس به اهداف بلند مدتی که به طور کلی ناظر به جامعه اسلامی است می پردازیم.

الف) اهداف مقطعی (ناظر به جامعه آن روز عرب)

۱. آمادگی برای پی ریزی حکومت اسلامی

اقدام های اصلاحی بزرگ و گام های بلند در مسیر تاریخ، جز در پناه فداکاری و ایثار و پرهیز از خودبینی و خودخواهی ممکن نیست. باید کینه ها و بدخواهی ها میان افراد کنار رود و دوستی و خیرخواهی جای آن را پر کند. باید تفاهم جانشین تفاخر شود و تعاون جانشین درگیری و ستیزه جویی.

پیامبر بین مسلمانان عقد اخوت برقرار کرد تا آنان را برای حرکتی سرنوشت ساز و سرفصلی جدید در تاریخ بشر آماده کند. او می خواست تا

در محیطی جدید، جامعه ای نو پدید آورد و یک نظام الهی و یک امت یکپارچه بر پا کند، ولی این، کار ساده ای نبود و مشکلات و سختی های بسیاری پیش رو بود: باید از یک سو، با دشمن قدرتمند و بی رحم بیرونی، یعنی اشراف مکه، سران کفر، منافقان و یهودیان مدینه و از سوی دیگر با دشمن درونی یعنی نفس سرکش رویارویی و نبردی را ادامه می دادند. برای رویارویی با این مشکلات و نیز دشواری های فراوان دیگر، باید ابتدا خود مسلمانان به درستی با یکدیگر پیوند می خوردند و به هم متعهد می شدند تا با همراهی و همکاری و همیاری، پیامبر را در رسیدن به اهدافش کمک کنند.

ایجاد یک حکومت صالح، تشکیل امتی یکپارچه و همسو، جز در سایه پیوند محکم انسان های مؤمن میسر نمی شود و اختلاف های میان مسلمانان سدّ بزرگی در راه این هدف های والا بود، ولی پیمان برادری، دو بیگانه را خویشاوند حقیقی می ساخت؛ زیرا بالاترین خویشاوندی، خویشاوندی روحی و برترین پیوند، پیوند قلب هاست. پیوند اخوت، فاصله های قومی و اجتماعی را از میان برمی داشت و به جای آن تعهدی مستحکم پدید می آورد؛ به گونه ای که افراد، مسئول حفظ حقوق یکدیگر و یاور هم می شدند و این همان چیزی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله برای تشکیل حکومت و جامعه اسلامی به آن نیاز داشت.

۲. کمک اقتصادی به مهاجران

آن دسته از مردم مکه که به پیامبر ایمان آورده بودند، برای حفظ ایمان خود و نیز رهایی از ستم و آزار مشرکان مکه، خانه و دارایی و حتی برخی از

آنها اهل و عیال خود را رها و به مدینه هجرت کردند؛ زیرا تعدادی از مردم این شهر مسلمان شده بودند و آنها با آزادی می توانستند در این شهر به عقاید خود عمل کنند؛ ولی به هر حال، برای ادامه زندگی به خوراک و پوشاک و مسکن نیاز داشتند؛ در حالی که آنها در مدینه فقیر و غریب بودند و تنها شمار اندکی از آنها بخشی از دارایی خود را به همراه آورده بودند. از این رو، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بین مهاجران و انصار پیمان برادری برقرار کرد تا انصار _ که میزبان بودند _ به مهاجران کمک کنند؛ زیرا طبیعت اعراب و بیابان نشینان، حمایت و مساوات با کسانی است که با آنان بستگی و رابطه دارند. پیوند برادری رابطه ای محکم و استوار بود که بر اساس ایمان به خدا و پیامبر صورت پذیرفت. پیامبر از این ویژگی روحی، برای کمک اقتصادی و همچنین غیر اقتصادی به مهاجران سود جست؛ زیرا هر یک از انصار در برابر برادر جدید خود احساس وظیفه می کرد و او را در جان و مال خود سهیم و شریک می دانست. در تاریخ آمده است که هر کدام از انصار برادر خود را به خانه می برد و قسمتی از آن را در اختیار او می گذاشت. حتی برخی، اتاق خود را به دو قسمت تقسیم کردند؛ در یک طرف خود و خانواده شان و در طرف دیگر برادر مسلمانشان زندگی می کرد. این پیمان، بر اموال و معاملات و حقوق و همه امور زندگی انصار تأثیر گذاشت تا جایی که حتی مهاجران را بر خود ترجیح دادند و راه زندگی و کسب و کار آنان را چنان فراهم کردند که بسیاری از مهاجران پس از گذشت چند سال ثروتمند شدند.

نمونه های بسیاری از ایثار و فداکاری انصار در کمک به مهاجران نقل

شده است. برای نمونه، در روز جنگ با بنی نضیر، وقتی خواستند غنایم را تقسیم کنند پیامبر صلی الله علیه و آله به انصار فرمود: «اگر مایل باشید مهاجران را در این غنیمت شریک کنید و گرنه همه آن برای شما باشد. انصار گفتند: ما نه تنها غنیمت‌ها را یکجا به برادران مهاجر خود می‌بخشیم، بلکه آنها را در مال و خانه‌های خود شریک می‌کنیم» (۱). قرآن کریم نیز از فداکاری انصار در این حادثه یاد کرده است:

وَ الَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ
وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ. (حشر: ۹)

و [نیز] کسانی که قبل از [مهاجران] در [مدینه] جای گرفته و ایمان آورده‌اند؛ هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند؛ و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند؛ و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آنها را بر خودشان مقدم می‌دارند.

نمونه دیگر این که «یکی از انصار به نام سعد بن ربیع پیش برادر دینی خود عبدالرحمن بن عوف رفت و گفت: ای عبدالرحمن، تو برادر من هستی و من یکی از داراترین مردم مدینه هستم. نصف مال مرا برای خود بردار ... عبدالرحمن گفت: خداوند به اهل و مالت برکت دهد. من تنها از تو می‌خواهم که مرا به بازار راهنمایی کنی تا چیزهایی را بفروشم و چیزهایی را بخرم» (۲).

اشتیاق انصار برای کمک و یاری برادران مسلمانان به آن جا رسید که به تقسیم اموال منقول و حقوق خود بسنده نکردند، بلکه به نزد پیامبر آمدند

ص: ۳۶

۱- ۱. جعفر شهیدی، تحلیلی از تاریخ اسلام، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۵۴.

۲- ۲. سمیع عاطف الزین، محمد صلی الله علیه و آله در مدینه، ص ۵۲۰.

و گفتند: ای پیامبر خدا، ما هر آنچه در توان داشتیم از مالی که خداوند به ما داده بود، به برادران مهاجر خود بخشیدیم و برای ما تنها درختان خرما مانده است. ای رسول خدا، آنها را نیز بین ما تقسیم کن. آن حضرت فرمود: نه، مهاجران تنها در محصول آنها با شما شریک هستند» (۱).

این درحالی بود که مهاجران تنها به اندازه رفع نیاز و به قدر کفاف از آنها کمک می خواستند و هرگز اندیشه مال اندوزی در سر نداشتند، بلکه برعکس در خود، رنجی از عملکرد انصار احساس می کردند؛ به گونه ای که این احساس آنها را وادار کرد به نزد پیامبر شکایت برند که ما هیچ قومی را مثل اینان ندیدیم. اینان با وجود تنگدستی، مساوات با ما را به طور کامل مراعات می کنند و به ما بسیار بخشش می کنند و هزینه های ما را می پردازند و ما را در کسب و کارشان شریک می کنند؛ به گونه ای که می ترسیم همه ثواب و پاداش برای آنان باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نه، این گونه نیست تا هنگامی که از آنان به نیکی یاد کنید و برایشان دعا کنید، همانا ستایش و دعای شما برای ایشان، نوعی پاداش برای شماست (۲).

۳. جانشینی پیوند ایمانی به جای پیوندهای قومی و نژادی

روابط اجتماعی حاکم بر جامعه عرب در زمان جاهلیت، روابط قبیله‌ای و قومی بود و تنها ملاک برای دفاع و حمایت از یکدیگر، همین پیوند قبیله‌ای و یا پیمان ها و حلف هایی بود که بر اساس منافع قبیله ای و خویشاوندی بسته می شد. پیامبر صلی الله علیه و آله با ایجاد پیوند برادری بین مسلمانان، سطح روابط

ص: ۳۷

۱- همان.

۲- السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۹۸؛ سنن ترمذی، ج ۴، ص ۶۵۳، ح ۲۴۸۷.

میان آنها را به کلی دگرگون کرد و رابطه ای والا- و الهی را جانشین آن کرد. مهم ترین اهداف این مؤاخات می توانست تأکید بر ایجاد اخوت ناشی از ایمان به خدا باشد. این مسئله در کاستن اهمیت پیمان های جاهلی مؤثر بود. به ویژه که این پیمان بر اساس حق بود، در حالی که پیمان های جاهلی تعریف خاصی برای حق جز منافع قبیله ای نداشتند (مگر در پیمانی چون حلف الفضول^(۱)).^(۲)

با ایجاد عقد اخوت میان مسلمانان، همه پیوندها و پیمان های استواری که پیش از آن در میان آنها رایج بود، با گذشت زمان چنان ناچیز و بی ارزش شد که به تمامی از میان رفت و جای خود را به این اخوت که برادری اسلامی و برابری در راه هدف بود، داد و شاید یکی از عوامل پیروزی و پیشرفت مسلمانان در سالیان اندک، همین پیمان بود.^(۳)

بنابراین، مفاهیمی مانند نژادپرستی، ملیت گرایی و قومیت گرایی در فرهنگ اسلامی جایی ندارد و تنها رابطه حاکم میان مؤمنان در جامعه اسلامی رابطه برادری ایزد مدارانه است. دامنه این برادری به آن جا رسید که «یک مسلمان، از هر نژاد که بود _ عرب یا ترک، سندی یا افریقایی _ در هر جایی از قلمرو اسلام قدم می نهاد، خود را در وطن خویش و دیار خویش می یافت. یک شیخ ترمذی یا بلخی در قونیه و دمشق مورد تکریم و

ص: ۳۸

۱- ۱. حلف الفضول یکی از پیمان های زمان جاهلیت بود که بین تعدادی از جوان مردان برقرار بود و هدف آن، کمک و یاری به بیچارگان و مستضعفان بود. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در دوران جوانی به این پیمان پیوست.

۲- ۲. رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام سیره رسول خدا، ج ۱، ص ۳۸۲.

۳- ۳. هاشم معروف الحسینی، زندگی نامه امیرالمؤمنین، ص ۶۶.

احترام عامه می شد و یک سیاح اندلسی در دیار هند عنوان قاضی می یافت. همه جا، در مسجد، مدرسه، خانقاه و بیمارستان از هر قوم مسلمان نشانی بود و یادگاری، مابین مسلمانان نه اختلاف جنسیت مطرح بود، نه اختلاف تابعیت. همه جا یک دین بود و یک فرهنگ؛ فرهنگ اسلامی که فی المثل زبانش عربی بود، فکرش ایرانی، خیالش هندی بود و بازویش ترکی، ولی دل و جانش اسلامی بود و انسانی. پرتو آن در سراسر قلمرو اسلام وجود داشت...» (۱).

۴. از بین بردن کینه ها و دشمنی ها

از قرن ها پیش از ظهور اسلام، مردم شبه جزیره عربستان به دو دسته تقسیم می شدند؛ ساکن و بیابان گرد. مردم جنوب ساکن بودند و زراعت و کشاورزی می کردند و مردم مرکز و شمال چادرنشین و بیابان گرد بودند. بعدها بیابان گردها که کارشان دامداری بود، در شهرهای ساحلی سکونت کردند و به کار تجارت مشغول شدند. عرب های مکه و اطراف آن _ که قبیله قریش نیز جزو این دسته است _ مردمی چادرنشین بودند و سپس به بازرگانی روی آوردند و مردم یثرب از مهاجران جنوبی بودند، یعنی جزو دسته ساکن و مقیم. عرب های بیابان گرد یا بازرگان، مردم جنوب را که به کشاورزی مشغول بودند، تحقیر می کردند و کشاورزی را حرفه ای پست می شمردند و از این رو، بین این دو تیره از دیرباز کینه و هم چشمی وجود داشت. عرب های حجاز برای خود نَسَب نامه جداگانه تا اسماعیل فرزند ابراهیم علیه السلام درست کرده بودند و خود را عدنانیان می نامیدند. مردم یثرب نیز

ص: ۳۹

نسب نامه دیگری داشتند که به اسماعیل علیه السلام می رسید و خود را قحطانیان می نامیدند.

هنگامی که مهاجران قریش یا همان عرب های عدنانی به شهر عرب های قحطانی (انصار) آمدند، ممکن بود بین آنها گردی از کینه و عداوت دیرین برانگیخته شود. پیامبر صلی الله علیه و آله برای این که این دو دسته (مهاجران و انصار) را از هر نظر متحد کند و دشمنی بین آنها را از میان ببرد، بین آنان عقد برادری بست. (۱)

افزون بر آن، خود مردم یثرب نیز از دیرباز با یکدیگر دشمنی داشتند. دو قبیله بزرگ اوس و خزرج همواره در حال جنگ با یکدیگر بودند و به اندک بهانه ای کشتارهای خونین به راه می افتاد. با نزول آیه «انما المؤمنون اخوه» و عمومیت یافتن برادری میان همه مسلمانان، این دشمنی نیز جای خود را به برادری داد و در مجموع یک رابطه دوستانه و اُفت همگانی بر جامعه اسلامی حاکم شد. خداوند در قرآن این رابطه را بیان فرموده و آن را امری الهی خوانده است:

وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. (انفال: ۶۳)

و خداوند میان دل های مؤمنان الفت انداخت و اگر آنچه روی زمین است همه را خرج می کردی نمی توانستی میان دل هایشان الفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنها الفت انداخت؛ چرا که او توانای حکیم است.

در آیه دیگری آمده است:

ص: ۴۰

وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا. (آل عمران: ۱۰۳)

و به یاد آرید نعمت خداوند بر شما را که با هم دشمن بودید و خدا در دل های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خداوند همه برادر دینی یکدیگر شدید.

۵. زدودن غربت و تنهایی مهاجران

با هجرت مهاجران به مدینه، رنج دوری از وطن و خانه، بر طرد شدن از سوی خویشان و قبیله افزوده شد.

احساس غربت و تنهایی و نداشتن یاور و پشتیبان، آنها را آزار می داد و روحیه شان را تضعیف می کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله با ایجاد اخوت میان مهاجر و انصار، تا حدود زیادی این مشکل را برطرف کرد و احساس تنهایی را از دل آنان زدود و امید و اطمینان به آینده ای روشن را جانشین آن کرد.

«منظور از برادری، به وجود آوردن ارتباط اجتماعی و روحی بود و بر همین اساس، هر یک از افراد مهاجران، ارتباط و هم بستگی عمیقی با مردم مدینه پیدا می کرد، از عزلت و تنهایی خود می کاست و زمینه ارتباط میان خود و دیگران را گسترش داده، پناهگاه روحی نوینی را برای خود ایجاد می نمود که بر اثر آن، سختی ها کاهش و در نهایت اهداف اخلاق اسلامی عملی گردید.» (۱)

ب) اهداف کلان (ناظر به جامعه مسلمانان)

۱. برقراری مساوات و برابری

اشاره

ص: ۴۱

تبعیض اجتماعی، نژادی، اقتصادی و... از پدیده های نامطلوبی است که کم و بیش در همه جامعه ها وجود داشته است. به طور معمول، کسی که موقعیت اجتماعی بالاتری دارد، بر زیردستان خود برتری می جوید؛ سفید بر سیاه فخر می فروشد؛ ثروتمند، هم نشینی و هم صحبتی با مستمندان را برای خود دشوار و حتی ننگ می شمارد و... .

یکی از اهداف ادیان آسمانی، از میان بردن تبعیض و ایجاد مساوات و برابری در بین افراد جامعه بوده است. پیامبران همواره بر برابری انسان ها پای می فشردند و ملاک برتری و بزرگی را تقوا و رشد معنوی می دانستند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به منظور فراهم کردن زمینه مناسب برای از میان بردن تبعیض های موجود در جامعه، میان مسلمانان عقد برادری بست تا بدین وسیله، روحیه برادری و مساوات را میان مردم ایجاد کند. ایجاد این روحیه، زمینه خوبی برای تحقق جامعه ای متعادل و بدون تبعیض بود. به عبارت بهتر، یکی از مهم ترین اهداف والایی پیوند اخوت بین مسلمانان، ایجاد برابری و مساوات میان آنها بوده است. سفارش ها و تأکیدهای بسیار پیامبر و امامان علیهم السلام درباره این مسئله، اهمیت و جایگاه آن را به خوبی روشن می کند. از این رو، با تفصیل بیشتری این بحث را مطرح می کنیم.

مساوات در اسلام

مساواتی که اسلام مقرر داشته و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را محقق ساخته است، در تاریخ بشر بی نظیر است. در منطق قرآن کریم، نه سفید بر سیاه برتری دارد و نه عرب بر عجم. نه والی از رعیت برتری است و نه حاکم از مردم. همه افراد به تعبیر پیامبر صلی الله علیه و آله ، مانند دندان های یک شانه مساوی اند و هیچ امتیازی بر یکدیگر ندارند: «النَّاسُ سَوَاءٌ كَأَسْنَانِ الْمِشْطِ؛ مردم مانند دندان های شانه

این نوع نگرش اسلام به انسان ها و نمود عملی آن در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام و به طور کلی در میان مؤمنان، از عوامل مهم جذب دل ها به اسلام بوده است. به گفته جواهر لعل نهرو: «مسئله برادری و مساواتی که مسلمانان بدان ایمان دارند و بر اساس آن زندگی می کنند، روی افکار هندوها تأثیر عمیقی گذاشته است، به ویژه طبقات محرومی که مناسبات اجتماعی هند، آنان را از مساوات و بر خورداری از حقوق انسانی محروم ساخته است». (۲)

پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله با اعلام اصل مساوات، دیدگاه طبقاتی و مناسبات ستمگرانه برخاسته از آن را باطل کرد و انسان ها را در کنار هم و در یک صف متحد قرار داد و فرمود: «اشیتُوا وَ لَا تَخْتَلِفُوا فَتَخْتَلِفَ قُلُوبُكُمْ؛ با یکدیگر مساوی باشید و بین خود فرق نگذارید تا دل هایتان مختلف نشود». (۳) اگر یک رنگی و برابری از میان رود، دل ها پراکنده می شود و در نتیجه، از یاری یکدیگر باز می مانند. تلاش پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که مردم را با این حقیقت آشنا کند و نگرش طبقاتی را با آن سابقه طولانی که در جان مردم رسوخ کرده بود از دل ها بزدايد.

خاستگاه مساوات در اسلام

خداوند در قرآن کریم فرموده است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً. (نساء: ۱)

ص: ۴۳

۱- ۱. تحف العقول، ص ۲۷۴.

۲- ۲. باقر شریف القرشی، النظام السياسي في الاسلام، ص ۲۰۲.

۳- ۳. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۵۴.

ای مردم از پروردگارتان پروا کنید، همان که شما را از نفس واحد آفرید و جفتش را از او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان بسیاری منتشر ساخت.

در منطق قرآن، همه انسان ها از یک سرچشمه اند و فرزندان یک پدر و مادر، یعنی حضرت آدم و حوا هستند. این آیه شریفه می گوید، حقیقت افراد انسان یکی است و همه آنها با وجود کثرتی که در میان شان دیده می شود، از یک اصل هستند و از یک ریشه واحد منشعب شده اند. در این آیه، یکی از صفات خداوند بیان شده که ریشه وحدت اجتماعی بشر و مساوات بین انسان ها نیز هست: «الذی خلقکم من نفس واحده؛ همان که شما را از نفس واحد آفرید.» بنابراین، امتیازات نژادی، زبانی، منطقه ای و قبیله ای و مانند آن باطل است. (۱)

از سوی دیگر، حقیقت همه موجودات «از اویی» و «به سوی اویی» است: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ ما از خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم.» (بقره: ۱۵۶) پروردگار همه یکی است. حقیقت هستی _ یعنی ذات مقدس الهی _ یکی است. حقیقت انسان ها نیز یکی است و همه یک ریشه دارند. بنابراین، تفاخرها و امتیازات نژادی و طبقاتی و برتری جویی های اجتماعی، اموری موهوم و بی پایه اند. قرآن کریم آشکارا اعلام می کند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ. (حجرات: ۱۳)

ص: ۴۴

ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.

این آیه در پی آن است که مطلق تفاضل و برتری به طبقات، مانند سفید و سیاه و عرب و عجم و غنی و فقیر و برده و مولا و مرد و زن را از بین ببرد. بر پایه این آیه، آن دسته از اختلافاتی هم که بین انسان ها مشاهده می شود، از نظر آفرینش و جعل الهی است و دلالتی بر فضیلت و برتری گروهی بر گروه دیگر ندارد، بلکه برای آن است که انسان ها یکدیگر را بشناسند و نظام اجتماعی خود را کامل کنند.

در شأن نزول این آیه از قول ابن عباس آمده است که پس از فتح مکه، پیامبر صلی الله علیه و آله به بلال دستور داد که بر بالای کعبه رود و اذان بگوید. او نیز بر بام کعبه رفت و اذان گفت. در این هنگام، عتاب بن اسید بن ابی عیص گفت: خدا را سپاس که پدر من فوت کرد و نیست تا این روز را ببیند. حارث بن هاشم گفت: محمد جز این کلاغ سیاه، موذن دیگری نیافت؟ ابوسفیان گفت: من چیزی نمی گویم، چون می ترسم که پروردگار آسمان او را باخبر سازد. پس جبرئیل بر پیامبر نازل شد و آن حضرت را از آنچه گذشته بود آگاه کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را احضار کرد و از آنچه بر زبان رانده بودند پرسید و آنها نیز اعتراف کردند. آن گاه این آیه نازل شد و از تفاخر به نسب منع کرد و اساس و ملاک برتری را تقوا اعلام کرد. (۱)

در سخنان معصومین علیهم السلام نیز مساوات و خاستگاه آن به صراحت بیان

ص: ۴۵

شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله کسانی را که خود را از طبقه برتر می دانستند و به نژاد و قوم و قبیله و پدران خود افتخار می کردند، با تندترین عبارات نکوهش کرده است: «همه شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک آفریده شده است. گروهی که به پدران خویش مباحثات می کنند، باید به آن پایان دهند که در غیر این صورت نزد خداوند از سرگین سوسک، خوارتر و بی ارزش تر به شمار می آیند».(۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام پس از به دست گرفتن زمام امور مسلمانان دوباره سیره مساوات را زنده کرد و در خطبه ای فرمود: «برای هیچ یک از مخلوقات خدا نزد ما فضلی نیست، مگر به اطاعت از خدا و رسول خدا و پیروی از کتاب او و سنت پیامبرش».(۲)

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که سلمان فارسی با چند تن از قریش در مسجد نشسته بودند. آنها ذکر نسب و نژاد خود را آغاز کردند و هر یک نژاد خویش را بالا می برد تا نوبت به سلمان رسید. عمر بن خطاب به او گفت: تو بگو کیستی و پدرت کیست و اصل و نسبیت چیست؟ سلمان گفت: من سلمان، فرزند بنده خدا هستم که گمراه بودم و خداوند عزوجل به وسیله محمد صلی الله علیه و آله مرا هدایت کرد و بینوا بودم و خدا به وسیله محمد صلی الله علیه و آله مرا توانگر ساخت و برده بودم و خداوند به وسیله محمد صلی الله علیه و آله مرا آزاد کرد. این نسب و حسب من است. در همین هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد و به جمع آنان پیوست. سلمان برتری جویی ها و تفاخرهای آنان را برای پیامبر بازگو کرد... پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای گروه قریش، همانا حسب مرد، دین اوست و مردانگی اش، اخلاق اوست و اصل و نسب او عقل و خرد اوست... سپس به

ص: ۴۶

۱- ۱. کنز العمال، ج ۳، ص ۵۲۷ و سنن ابی داود، ج ۲، ص ۶۲۴.

۲- ۲. تحف العقول، ص ۱۲۴.

سلمان فرمود: هیچ یک از این ها بر تو برتری و فضیلتی ندارند، مگر به تقوای الهی و اگر تقوای تو بر آنها افزون باشد، تو برتر از آنهاایی». (۱)

در احتجاجات امام صادق علیه السلام آمده است که «زندیقی از آن حضرت پرسید: آیا شما می گوئید که همه فرزندان آدم مساویند و هیچ برتری بر هم ندارند، جز به تقوا؟ امام علیه السلام فرمود: آری، همانا اصل آفرینش آدمیان را از خاک یافتن و نیز دریافتن که پدر همه، آدم و مادرشان حواست و خدای واحدی آنان را آفریده است و همگی بنده او هستند». (۲)

شخصی از اهل بلخ می گوید: «من در سفری که حضرت رضا علیه السلام به خراسان آمدند، همراه آن حضرت بودم. روزی سفره غذا خواست و همه غلامان سیاه پوست و غیر آنان را بر سر سفره گرد آورد [تا با او غذا بخورند] من گفتم: فدایت شوم. آیا بهتر نیست برای آنها سفره جداگانه ای بیندازید؟ فرمود: ساکت باش، پروردگار همه یکی است. مادر همه و پدر همه نیز یکی است و جزا و پاداش به اعمال است». (۳)

همچنین حضرت علی علیه السلام پس از خلافت خود در خطبه ای فرمود: «ای مردم، همانا آدم هیچ یک از فرزندان خود، نه زن و نه مرد را برده متولد نکرد و همه مردم آزادند... آگاه باشید که اموری [برخلاف مساوات] اتفاق افتاده است و ما میان سیاه و سرخ به مساوات عمل خواهیم کرد». (۴)

۲. برقراری تعاون و تکافل اجتماعی

ص: ۴۷

- ۱- ۱. اصول کافی، ج ۸، ص ۱۸۱.
- ۲- ۲. ابومنصور طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۴۰.
- ۳- ۳. اصول کافی، ج ۸، ص ۲۳۰.
- ۴- ۴. همان، ص ۶۹.

چنانچه در فصل «حقوق برادران دینی» خواهد آمد، برادری امری لفظی، صوری و تشریفاتی نیست، بلکه آثاری دارد و یکی از اهداف پیوند اخوت میان مسلمانان، تحقق یافتن این آثار در جامعه است که می توان آنها را در کلماتی مانند تعاون و تکافل خلاصه کرد. به دیگر سخن، برادری میان مسلمانان زمینه را برای رواج روحیه تعاون و تکافل در جامعه مهیا می کند.

تعاون به معنای یاری و کمک متقابل و همکاری و مشارکت دوجانبه است. بدین معنا که افراد جامعه برای آسایش و رفاه خود ناچارند به یکدیگر کمک کنند و این استعانت و امداد برای خیر و اصلاح حال همدیگر، سعادت بشریت را تضمین می کند. انگیزه تعاون می تواند شخص را تشویق کند تا خود را در فعالیت های روزمره اش برای خدمت به دیگران و نیل به اهداف عالی الهی _ انسانی وقف کند.

انسان بر پایه فطرت خود موجودی است که برای آسایش و آرامش و امنیت خود نیازمند دیگران است و همین نیازها او را به تعاون و مشارکت با دیگران ترغیب و تشویق می کند. اصولاً باید هر اندازه اجتماعات بشری مترقی تر و متمدن تر شوند، این گونه همکاری ها افزون تر شود، ولی متأسفانه در عمل پیشرفت های فن آوری و علم باعث دوری معنوی انسان ها و بیگانگی هر چه بیشتر آنها شده است.

تکافل به معنای بر عهده داشتن امور یکدیگر و مسئولیت مشترک در اداره امور است، بدین معنا که هر توان مندی با به عهده گرفتن اموری از جامعه و کمک به نیازمندان، در اداره و تأمین اجتماع سهیم باشد. با وقوع این امر، مهم است که جامعه از انسجام و وحدت عینی برخوردار می شود و

در مقابل سختی ها و مصیبت ها استوار خواهد ماند و در صورت بی توجهی به آن، ساختمان اجتماع بر سر اعضای آن فرو خواهد ریخت. (۱)

ص: ۴۹

۱- ۱. مقدمه ای بر خدمات اجتماعی، ص ۸۶.

۱. پیوستگی ایمان و عمل

اساس برادری اسلامی، ایمان است: «انما المؤمنون اخوه» (حجرات: ۱۰)، ولی چون در اسلام، ایمان تجریدی، یعنی ایمانی که به تعهدهای اجتماعی _ اقتصادی و دیگر واقعیت های حیات انسانی بی تفاوت باشد وجود ندارد، بنابراین باید گفت: اصل برادری دینی، از ایمان سرچشمه می گیرد و بر محورهای اجتماعی _ اقتصادی و... استوار است.

برادری دینی تنها امری عاطفی و درونی نیست، بلکه مسئولیت آور است و در عرصه های فردی و اجتماعی نمود عملی دارد. در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حقوق برادری آمده است: «یکدیگر را زیارت کنید و به همدیگر مهربانی و بخشش کنید و مانند منافق نباشید که چیزی را می گوید و توصیف می کند، ولی به آن عمل نمی کند.»^(۱) ذکر منافق در این حدیث و نهی از همانند او بودن بیانگر این است که اخوت دینی باید در زندگی عملی، تجسم و تبلور پیدا کند و آثار آن در نوع برخورد و رفتار انسان در رویارویی با روابط حیاتی و نیازهای معیشتی نمودار شود؛ نه این که امری زبانی و بدون آثار خارجی باشد.^(۲)

۲. اهمیت ادای حقوق برادران

در توضیح این قسمت به بیان چند روایت بسنده می کنیم:

ص: ۵۰

۱- ۱. تحف العقول، ص ۷۵.

۲- ۲. محمدرضا حکیمی، الحیاه ج ۵، ص ۱۱۳.

امام صادق علیه السلام: «خداوند به چیزی برتر از ادای حقوق مؤمن عبادت نشده است».(۱)

امام حسن علیه السلام: «شناخت و آگاهی از حقوق برادران دینی موجب محبوبیت و تقرب بیشتر به درگاه الهی است و به یقین ترک ادای این حقوق موجب خشم خدای رحمان و پایین آمدن مرتبه آدمی در پیشگاه خداوند است».(۲)

امام کاظم علیه السلام در مقابل کعبه ایستاده بود و می فرمود: «چه عظیم است حق تو ای کعبه و به خدا سوگند که حق مؤمن از حق تو نیز بزرگ تر است».(۳)

امام سجاد علیه السلام: «خداوند همه گناهان و خطاهای مؤمنان را می بخشد و در آخرت ایشان را از آنها پاک می کند، به غیر از دو گناه: یکی ترک تقیه (مخفی داشتن اعتقادات در شرایط خاص) و دیگری اهمیت ندادن و ترک حقوق برادران دینی».(۴)

پیامبر صلی الله علیه و آله: «کسی که برادرش را اکرام کند، جز این نیست که خداوند را اکرام کرده است و شما چه گمان می کنید درباره [عظمت پاداش و مرتبه] کسی که خداوند را اکرام کرده است».(۵)

حضرت علی علیه السلام: «ادای حقوق برادران دینی شریف ترین اعمال متقیان است که سبب جلب دوستی و محبت فرشتگان مقرب خداوند می شود».(۶)

با توجه به این جنبه ها، اساسی ترین حقوق برادران دینی را بیان خواهیم کرد.

ص: ۵۱

۱- ۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۰ و وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۴۲.

۲- ۲. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۳۰.

۳- ۳. همان، ص ۲۲۷.

۴- ۴. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۹۹.

۵- ۵. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۹.

۶- ۶. همان، ص ۲۲۹.

الف) برآورده کردن نیاز دیگران

در جامعه اسلامی همه افراد در برابر یکدیگر مسئولند و در صورتی که عضوی به درد آید، عضوهای دیگر نباید آسایش و قرار داشته باشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ هر کس که صبح کند در حالی که به امور مسلمانان بی اعتنا باشد، مسلمان نیست».^(۱)

«شخصی می گوید با امام صادق علیه السلام طواف می کردم. مردی از اصحاب به من برخورد و درخواست کرد همراه او برای برآوردن حاجتش بروم. او به من اشاره کرد، ولی من اکراه داشتم امام صادق علیه السلام را رها کنم و با او بروم. او باز در میان طواف به من اشاره کرد و امام صادق علیه السلام او را دید. به من فرمود: او تو را می خواهد؟ گفتم آری. فرمود: او مذهب و عقیده تو را دارد؟ گفتم: آری. فرمود: نزدش برو. گفتم: طواف را قطع کنم؟ فرمود: آری. گفتم: هر چند واجب باشد؟ فرمود: آری».^(۲)

دین اسلام برآورده کردن نیاز برادران مؤمن را رحمت الهی می خواند. امام کاظم علیه السلام در این باره فرموده است: «هر کس برادر مؤمنش برای حاجتی نزد او بیاید، رحمتی است که خدای تبارک و تعالی به سوی او فرستاده است. پس اگر آن را بپذیرد، به ولایت ما پیوند خورده است و ولایت ما به ولایت خدا پیوسته است و اگر با وجود آن که توانایی بر قضای حاجت او دارد، آن را ردّ کرد، خدا در قبرش ماری از آتش بر او مسلط می کند که تا روز قیامت او را بگزد، چه آمرزیده شده باشد یا در عذاب باشد».^(۳)

ص: ۵۲

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۳۷.

۲- ۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۰.

۳- ۳. همان، ج ۲، ص ۲۲۵.

پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره در کمک به مسلمانان و برطرف کردن نیازهای آنان الگوی دیگران بوده اند. «مردی از انصار نزد امام حسین علیه السلام آمد و می خواست از نیازی که دارد سخن گوید. امام به او فرمود: برادر انصاری، آبرویت را از خواری و ذلت گدایی مصون دار و نیازت را در نوشته ای با من در میان بگذار و من به خواست خدا آن گونه که شادمان گردی به آن رسیدگی خواهم کرد. او نیز نوشت که فلان کس پانصد دینار از من طلب دارد و اصرار دارد که زودتر دینش را ادا کنم. با او صحبت کن تا مهلتم دهد تا اندکی دست و بالم باز شود. وقتی امام نامه را خواند، به خانه خود رفت و کیسه ای را با خود آورد که در آن هزار دینار بود و به او فرمود: این هزار دینار را بگیر؛ پانصد دینار برای ادای دینت و پانصد دینار دیگر برای کارگشایی کار خودت باشد و از این پس دست نیاز تنها به سوی سه گروه مردم دراز کن؛ یکی دین داران، دیگری مردم با انصاف و سومی مردمان اصل و نسب دار...» (۱).

در بیان سیره امام رضا علیه السلام نیز آمده است که ایشان تا جایی که می توانست و برای او امکان داشت حاجت کسی را رد نمی کرد. حاجتمند را با آغوش باز می پذیرفت و حتی او را بر سر سفره خود می نشاند و به او آرامش می داد و آن گاه نیاز او را رفع می کرد. «مردی به نزد آن حضرت آمد و گفت: توشه سفر کم دارم و اهل صدقه گرفتن نیستم. مقداری پول به من بدهید و من قول می دهم در بازگشت به شهر خود، معادل همان پول را

ص: ۵۳

برای شما صدقه بدهم. امام علیه السلام وارد اتاق خود شدند و مبلغ دویست دینار آوردند و از پشت در به او عطا کردند و فرمودند این مبلغ را از من بگیر و برای خود مبارک بدان. لازم نیست در شهر خود آن را برایم صدقه بدهی و فعلاً از این جا دور شو تا مرا نبینی و من هم تو را نبینم تا شرمنده شوی. مردی از نزدیکان امام از ایشان پرسید: چرا هنگام عطا چهره خود را از او پنهان کردید؟ امام علیه السلام فرمود: بدان خاطر که ذلت خواهش را در چهره او نبینم» (۱).

درباره اهمیت و جایگاه پرداختن به حاجت مسلمانان، امام صادق علیه السلام فرموده اند: «روا ساختن حاجت مؤمن، از آزاد کردن هزار بنده و بار کردن و آماده کردن هزار اسب در راه خدا (جهاد) بهتر است» (۲).

(ب) آنچه برای خود دوست دارد، برای دیگران نیز دوست بدارد...

یکی از سفارش های مهم پیشوایان معصوم علیهم السلام به برادران دینی، این است که با یکدیگر همان گونه رفتار کنند که انتظار دارند دیگران با آنها بکنند. حضرت علی علیه السلام در نامه ای به امام حسن علیه السلام می فرماید: «ای پسر، خودت را میزان میان خود و دیگران قرار ده. پس آنچه را که برای خود دوست داری، برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی پسندی، برای دیگران مپسند. ستم روا مدار، آن گونه که دوست نداری به تو ستم شود.

نیکوکار باش، آن گونه که دوست داری به تو نیکی شود و آنچه را که برای دیگران

ص: ۵۴

۱- ۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۴۴ برگرفته از: در مکتب عالم آل محمد، دکتر علی قائمی، ص ۲۹۴ با گزینش.

۲- ۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۳.

زشت می داری، برای خود نیز زشت بشمار» (۱).

بنابراین، همان گونه که انسان، خیرخواه خود است باید خیرخواه برادران دینی خود نیز باشد و به جایی برسد که از دیدن پیشرفت و آسایش دیگران خشنود شود و در برخورد با گرفتاری و ناراحتی آنها، به فکر کمک و برطرف کردن آن باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند: «هر کس از شما باید خیرخواه و اندرزگوی برادرش باشد، همان گونه که برای خودش خیرخواه است» (۲).

ج) مهربانی و خوش رفتاری

رفتار نیک از سفارش های همیشگی پیامبران و امامان است. امام صادق علیه السلام فرموده اند: «از خدا پروا کنید و برادرانی خوش رفتار باشید و در راه خدا با هم دوستی کنید و پیوستگی و پیوند داشته باشید و مهر بورزید» (۳) همچنین فرموده اند: «بر مسلمانان سزاوار است که کوشا باشند. در پیوند داشتن با یکدیگر و کمک بر مهربانی و عطف با هم و مساوات با نیازمندان و مهرورزی نسبت به یکدیگر چنان باشید که خداوند عزوجل به شما دستور داده است که: «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ با یکدیگر مهربان هستند» (فتح: ۲۹) (۴).

پیشوایان معصوم علیهم السلام با اخلاقی نیکو و پسندیده و رفتارهایی سراسر بزرگواری و مهربانی مردم را به سوی خود جذب می کرده اند. با مراجعه به تاریخ درمی یابیم که بسیاری از دشمنان و کافران با دیدن اخلاق نیک پیشوایان در رویارویی با جسارت ها و بی احترامی های دیگران، به راه راست هدایت شده اند. یکی از اهل شام که معاویه آنان را از کینه و نفرت به علی

ص: ۵۵

۱- ۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- ۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۸.

۳- ۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۳.

۴- ۴. همان، ص ۲۰۴.

علیه السلام و آل علی آکنده بود، بر امام حسن علیه السلام گذشت و امام را دشنام و ناسزا گفت. امام علیه السلام ساکت بود و می دانست که او علی و آل علی را تنها از همان دیدی که معاویه به تصویر کشیده است می بیند. وقتی مرد شامی سخنان درشت و بی ادبانه خود را به پایان رساند، امام لبخند به او زد و به آرامی و با شیوه ای برخاسته از بخشندگی و بزرگواری با او سخن گفت و به هر آنچه دیده یا شنیده بود، توجهی نکرد و فرمود: ای شامی، گمان می کنم غریب هستی. اگر چیزی بخواهی به تو می دهیم و اگر راهنمایی بخواهی تو را راهنمایی می کنیم. اگر گرسنه ای سیرت می سازیم. اگر نیازمندی بی نیازت می کنیم و اگر بی پناهی پناهت می دهیم و به همین شیوه که سرشار از عطوفت و مهربانی بود، به سخن گفتن با وی ادامه داد تا سرانجام مرد شامی شگفت زده شد و شرم و خجالت بر او چیره گشت و به دست و پای امام افتاد و طلب عفو و بخشایش کرد و گفت: خداوند می داند که رسالتش را کجا قرار دهد. (۱)

(د) عیب پوشی

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند: «لغزش های مؤمنان را مجویید؛ زیرا هر که لغزش های برادر خود را بجوید، خداوند لغزش های او را دنبال می کند و هر کس خداوند دنبال لغزش های او برآید، رسوایش می کند؛ هر چند درون خانه اش باشد». (۲)

مؤمنان همواره آینه یکدیگرند؛ یعنی اشتباهات و عیب ها را صادقانه و به قصد اصلاح به یکدیگر نشان می دهند، نه برای عیب جوئی و آبروریزی.

ص: ۵۶

۱- ۱. زندگی دوازده امام، ج ۱، ص ۵۰۶.

۲- ۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۴.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که: «نزدیک ترین وضع و حالتی که بنده ای به کفر دارد، این است که با شخصی برادری دینی برقرار کند و [در عین حال] لغزش های او را بشمارد تا روزی او را به آنها سرزنش کند». (۱)

درباره امر به معروف و نهی از منکر نیز گفته اند که از آداب آن این است که نباید در حضور دیگران تذکر داده شود؛ زیرا این کار باعث تحقیر و سرزنش او می شود و چه بسا در او اثر معکوس بگذارد.

«شخصی می گوید امام صادق علیه السلام از من پرسید: شوخی کردن شما با یکدیگر چگونه است؟ گفتم اندک است. فرمود: این گونه نباشید؛ زیرا مزاح و ملامت کردن از نیکو سیرتی است و تو بدین وسیله به برادرت سرور وارد می کنی و پیامبر صلی الله علیه و آله همواره با دیگران شوخی می فرمود تا آنها را مسرور و خوشحال کند». (۲)

گفتن این نکته لازم است که مراد از شاد کردن دیگران، شوخی های بیهوده و لهو و نیز زیاده روی در آن نیست؛ زیرا که این کارها در احادیث نهی شده اند. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند: «از مزاح پرهیزید؛ زیرا آبروی شما را می برد». (۳) نیز فرموده اند: «زیاد خندیدن، دین را در خود حل می کند؛ همان گونه که آب، نمک را در خود ذوب می کند». (۴)

هـ) دیدار، معانقه و مصافحه با برادران

برادران دینی باید همواره از حال یکدیگر باخبر باشند، به دیدار یکدیگر

ص: ۵۷

۱-۱. همان.

۲-۲. همان، ص ۶۵۹.

۳-۳. همان.

۴-۴. همان.

بروند و در هنگام رویارویی با یکدیگر، سلام و ابراز دوستی و محبت کنند. امام صادق علیه السلام، درباره اهمیت زیارت کردن برادران دینی فرموده اند: «خداوند عزوجل بهشتی دارد که تنها سه گروه وارد آن می شوند؛ کسی که به ضرر خود حکم به حقیقت و راستی کند و کسی که برادر مؤمن خود را زیارت کند و کسی که برادر دینی مؤمنش را ترجیح دهد».(۱)

همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که خداوند متعال فرموده است: هر مسلمانی که مسلمانی را زیارت کند، او را زیارت نکرده [بلکه] مرا زیارت کرده است و پاداش او بهشت است».(۲)

از آداب این دیدار معنوی این است که هنگام ملاقات، همدیگر را در آغوش بکشند و معانقه کنند و نیز با یکدیگر دست بدهند (مصافحه کنند). در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که «هر مؤمنی که به دیدار برادر مؤمنش برود و به حق او آگاه باشد، خداوند برای هر گام او یک حسنه می نویسد و یک گناه از او پاک می شود و یک درجه به او اضافه می شود. هنگامی که در خانه را بکوبد، درهای آسمان به روی او باز می شود، پس هنگامی که با یکدیگر ملاقات کنند و با یکدیگر مصافحه و معانقه کنند، خداوند به آن ها رو می کند...».(۳)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده اند: «هنگامی که یکی از شما، برادرش را ملاقات کند، باید به او سلام کند و با او دست دهد؛ زیرا خدای عزوجل فرشتگان را به این عمل گرامی داشته است، پس شما هم مثل ملائکه عمل کنید».(۴)

ص: ۵۸

۱- ۱. همان، ص ۲۰۷.

۲- ۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۶.

۳- ۳. همان، ص ۱۸۳.

۴- ۴. همان، ص ۱۷۶.

ادامه حیات اجتماعی بر پایه عفو و گذشت است و چنانچه همه مردم بخواهند در استیفای حقوق خویش سخت گیر باشند و از کوچک ترین لغزشی چشم پوشی نکنند، زندگی بسیار تلخ خواهد شد و روح صفا و صمیمیت به کلی از جامعه رخت برخواهد بست و همکاری و همیاری میان آنها ناممکن خواهد شد. قرآن کریم در موارد متعددی دستور داده است که مردم این روش پسندیده را برگزینند و اگر از برادر دینی خود لغزش دیدند، از او درگذرند. برای نمونه: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ؛ گذشت پیشه کن و به [کار] پسندیده فرمان ده». (اعراف: ۱۹۹)

و در جای دیگر در توصیف پرهیزکاران می گوید: «... وَ الْكَافِرِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ؛ و خشم خود را فرو می برند و از مردم درمی گذرند». (آل عمران: ۱۳۴)

«هنگامی که آیه «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ» نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله درباره معنای آن از جبرئیل سؤال کرد که چگونه با مردم رفتار کند. جبرئیل گفت: نمی دانم باید از عالم (خداوند) سؤال کنم. مرتبه دیگر بر آن حضرت نازل شد و گفت: ای محمد، خداوند دستور می دهد از آنها که به تو ستم کرده اند، بگذر و به آنها که تو را محروم ساخته اند، عطا کن و با آنها که از تو بریده اند، بیوند». (۱)

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «بر شما باد به گذشت؛ زیرا آن بر

ص: ۵۹

عزت بندگان می افزاید. پس عفو و گذشت پیشه کنید تا خداوند شما را عزت ببخشد.»^(۱) همچنین در حدیثی دیگر در بیان حقوق برادران دینی فرموده اند: «از لغزش او چشم پوشی کند و به اشک چشم او ترخم نماید...»^(۲)

«مردی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: من پیش پسر عموی شما بودم. او اسم شما را برد و تا آن جا که توانست بدگویی کرد و ناسزا گفت. حضرت به خدمتکار خود فرمود آب برای وضو حاضر کند. سپس وضو گرفت و مشغول نماز شد. آن مرد گفت: من با خودم گفتم که حضرت می خواهد او را نفرین کند، ولی امام پس از این که دو رکعت نماز گزارد، فرمود: ای پروردگار من، این حق من بود که او را بخشیدم و جود و کرم تو از من بیشتر است. او را ببخش و به کیفر اعمالش مجازات مکن.»^(۳)

ز) حقوق دیگر

اخوت دینی، حقوق دیگری را نیز در پی دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را در حدیثی که امیرالمؤمنین علیه السلام آن را نقل کرده برشمرده است. ایشان فرموده است: «مؤمن برگردن برادرش سی حق دارد که ناگزیر است آنها را نسبت به او ادا کند یا آنها را ببخشد. [آن حقوق عبارتند از:] از لغزش او صرف نظر کند، به اشک چشم او ترخم کند، عیوب او را بپوشاند، عذر او را بپذیرد، نگذارد کسی از او غیبت کند، او را پند دهد، دوستی او را حفظ کند، و عده ای را که به او داده وفا کند، در بیماری عیادتش کند، به جنازه او حاضر شود، دعوت او را بپذیرد، هدیه او را قبول کند، احسان او را تلافی و جبران کند، نعمت او را سپاس گذاری کند، یار و یاور او باشد، ناموس او را حفظ کند، حاجت و نیاز او را

ص: ۶۰

۱- ۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۸.

۲- ۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۵۰.

۳- ۳. پرتوی از زندگانی امام صادق علیه السلام، ص ۳۲۰.

بر آورد، اگر عطسه کرد به او بگوید: **غَفَرَ اللَّهُ لَكَ**، گمشده او را جست و جو کند، جواب سلام او را بدهد، با او به نیکی سخن بگوید، احسان او را به خوبی جبران کند، قسم هایش را تصدیق کند، با او دوستی کند، هرگز با او ستیزه و دشمنی نکند، او را چه ظالم باشد و چه مظلوم یاری کند؛ در صورتی که ظالم باشد یاری کردن او آن است که نگذارد ستم کند و یاری کردن او وقتی که مظلوم باشد آن است که حق او را از ستمگر بستاند، او را خوار نسازد، هر چه برای خود دوست می دارد برای او نیز دوست بدارد و آنچه برای خودش نمی پسندد، برای او نیز نپسندد»^(۱).

ص: ۶۱

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۵۰.

«قرآن کریم عقد اخوت بین مسلمان ها انداخته است. برادر که به برادر ضرر نمی زند».(۱)

«اگر چنانچه دو نفر به اخوت ایمان شان عمل نکنند، برادر نباشند، مؤمن نیستند».(۲)

«پیغمبرها که از اول تا ختمشان آمده اند مردم را به برادری، به دوستی، به اخوت دعوت کرده اند... و ما از آن طرف می بینیم که اسلام تکیه کرده است بر اخوت با تعبیرهای مختلف: «انما المؤمنون اخوه» از آن استفاده می شود که کأَنَّهُ مؤمنین هیچ شأنی ندارند الا برادری. همه چیزشان در برادری خلاصه می شود».(۳)

«اگر چنانچه این اخوت ایمانی سست بشود، آن روز است که رخنه می کنند در بین شما شیاطین و شما را به جان هم می ریزند و استفاده اش را قدرت های بزرگ می کنند».(۴)

«روحانیون باید اخوت روحانیتی شان را حفظ بکنند. علاوه بر این که اخوت اسلامی بین همه قشرها باید باشد. روحانیون یک تکلیف فوق این ها دارند».(۵)

«این دو بزرگوار [پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام] همان گونه که در عالم غیب با هم بودند و متحد بودند در عالم هم که آمدند، در این دنیا هم که آمدند، این ها اخوت داشتند، برادری داشتند و یکی بودند و این برای ما باید عبرت باشد... ما باید از این عبرت بگیریم که ما هم برادری خودمان را حفظ کنیم. تمام کسانی که در این کشور متصدی امور هستند، باید برادری خودشان را حفظ کنند و اخوتی که بین آن دو بزرگوار بوده است، ما تبعیت کنیم از آنها و اخوت داشته باشیم... خصوصا در این مقطع زمانی که اگر چنانچه خللی واقع بشود، در

ص: ۶۲

۱- ۱. صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۷۰.

۲- ۲. همان، ج ۱۱، ص ۸۱.

۳- ۳. همان، ج ۱۵، ص ۲۷۸.

۴- ۴. همان، ج ۱۷، ص ۲۵۳.

۵- ۵. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۵.

برادری این آقایان، خلل به اسلام واقع می شود... من از خدای تبارک و تعالی خواستارم که این اخوت را بین همه ارگان ها، بین مجلسی ها و بین دولت، قوه قضایی و سایر مردم، بین قشرهای ملت حفظ کند» (۱).

«به دولت ها اخطار کنید که از زبونی و ذلت، خود را نجات دهند و به همه تذکر دهید که به اسلام باز آید و به اخوت اسلام بگرایید» (۲).

شهید مطهری:

«این [اخوت حضرت علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله] یکی از بزرگ ترین افتخارات امیرالمؤمنین است که نشان می دهد امیرالمؤمنین در میان صحابه پیامبر یک وضع استثنایی دارد. او را نمی شود با دیگران هم سنگ و هم ترازو قرار داد» (۳).

«اسلام طرفدار این است که زندگی ها برادروار باشند؛ نه این که به زور قانون بگوییم تو حق نداری و یا این که همه باید از دولت جیره بخورند. باید اشتراک در زندگی مادی، ناشی از شرکت روحی مردم باشد. اول روح ها باید با یکدیگر یکی شوند، بعد جیب ها» (۴).

مقام معظم رهبری:

«در جامعه اسلامی، همه قشرهای ملت با یکدیگر برادرند به شرط ایمان، مردان و زنان مؤمن دارای پیوند خویشاوندی اند و خویشاوندی واقعی این است» (۵).

«پیوند میان مؤمنان، یک پیوند ناگسستی و مستحکم است. در جامعه ما _ بحمدالله _ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این برادری میان مردم بوده است و باید باشد و باید همیشه بیشتر

ص: ۶۳

۱- همان، ج ۲۰، صص ۷۶ و ۷۷.

۲- همان، ج ۲۲، ص ۲۶۷.

۳- مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۳، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶، ص ۱۹۸.

۴- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸، ص ۱۵۲.

۵- و ۳. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۱۵.

شود. مظهر کامل و امیدبخش این برادری، برادری دولت و ملت است».

ص: ۶۴

برای ایجاد یک پدیده و هنجار اجتماعی و یا تغییر و اصلاح آداب و رسوم نادرست، نخست باید تفکر و فرهنگ حاکم بر آن جامعه را بررسی کرد تا عوامل بروز رفتارهای نامناسب شناسایی شوند و سپس برای از بین بردن آنها اقدام کرد. افزون بر آن که باید زمینه های لازم برای پذیرش فرهنگ و هنجار جدید و رایج شدن آن در جامعه فراهم شود. اکنون برخی از عوامل ایجاد روحیه اخوت بین مردم و نیز عوامل بی اعتنائی به حقوق دیگران و خود محوری و خودخواهی، به جای گذشت و ایثار در جامعه را بررسی می کنیم.

۱. نگرش مادی به زندگی

از مهم ترین عواملی که باعث دور شدن انسان ها از یکدیگر می شود، نگرش مادی به زندگی است. یعنی این که انسان همه چیز را منحصر در جهان مادی بداند که در نتیجه سعادت خود را در بهره گیری بهتر از منافع و لذت های آن خواهد دید. روشن است که رسیدن به نفع و سود شخصی در بسیاری از موارد با مفاهیمی مانند گذشت، مساوات، کمک به دیگران و در یک کلمه حقوق برادری منافات دارد و در جامعه ای که مردم با دید دنیوی به زندگی نگاه می کنند، سخن گفتن از روابط برادرانه و احترام به حقوق دیگران بی نتیجه و بیهوده است.

بنابراین، در گام نخست باید جهان بینی افراد اصلاح شود و نگرش مادی و دنیوی از میان برود و افراد، این جهان را با دید ابزاری بنگرند و پُلی برای عبور بدانند، چارچوب کامل دین، دربردارنده این جهان بینی است. در نگرش دینی، روابط افراد و رعایت وظایف و حقوق، تنها امری فردی یا

اجتماعی نیست، بلکه یک امر دینی نیز هست. بدین معنا که شارع مقدس در بیان حقوق و ضرورت ادای آن، نقش کاملاً مؤثر و فعالی دارد. با فرهنگ سازی در چارچوب دین، آن هم در همه ابعاد و جوانب، مقدمات برقراری روابط برادرانه بین افراد جامعه فراهم می شود.

۲. کمبود الگوهای مناسب

عامل دیگری که باید به آن توجه کرد، این است که افراد جامعه تا حد زیادی تحت تأثیر بزرگان، مسئولان و رهبران فکری، دینی و سیاسی جامعه هستند. مشهور است که: «النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ؛ مردم بر طبق روش و شیوه پادشاهان و رهبران خود رفتار می کنند.»^(۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلُحَا صَلُحَتْ أُمَّتِي وَ إِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ أُمَّتِي الْفُقَهَاءُ وَ الْأَمْرَاءُ؛ دو گروه از امت من هستند که اگر اصلاح شوند، امت من اصلاح می شود و اگر فاسد شوند، امت من فاسد می شود؛ آن دو عبارتند از: فقیهان و امیران.»^(۲) اگر رفتار و روابط مسئولان و بزرگان با مردم و نیز با یکدیگر برادرانه، صمیمی و بر پایه مساوات میان انسان ها باشد، این روحیه به افراد جامعه نیز منتقل خواهد شد و آنان نیز به پیروی از رهبران جامعه براساس برادری و برابری رفتار خواهند کرد.

۳. نبود تبلیغات لازم

از دیگر عوامل مؤثر در سامان بخشیدن به هنجارهای اجتماعی، عنصر تبلیغات است. امروزه دستگاه های تبلیغاتی، اهداف مختلف خود را با بمباران های تبلیغاتی عملی می کنند و جامعه را بر اساس خواست خود و در راستای اهدافشان به هر سویی می کشانند. این جاست که مسئولیت خطیر

ص: ۶۶

۱- ۱. کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۱.

۲- ۲. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۸۳، ح ۷۶۸۱.

سازمان صدا و سیما و نقش راهبردی آن در هدایت افکار عمومی و فرهنگ سازی اسلامی رُخ می نماید. صدا و سیما که بزرگ ترین دانشگاه انسان سازی است، باید با برنامه های دراز مدت و مطالعات کارشناسانه، گام های بلند و استواری در راستای بهبود فرهنگ کنونی جامعه و هدایت آن به سوی نظام مدینه النبی بردارد. یکی از توصیه هایی که می توان درباره کارکرد سازمان صدا و سیما ارائه داد، این است که از فیلم سازان و کارگردانان خواسته شود تا همانند فیلم های اوایل انقلاب، روابط برادر گونه مردم را به تصویر کشند، باید به این نکته توجه کرد که این کار، هنرمندانه و فنی انجام شود تا در بیننده اثر مثبت بگذارد. فیلم های آن زمان معمولاً به علت بالا نبودن سطح هنری، برخی از بینندگان را به موضع گیری وارونه و تمسخرآمیز در برابر روابط برادرانه در افراد متدین سوق می داد. تبلیغ نامأنوس یک رفتار در محیطی که برای آن رفتار تعریف ملموسی وجود ندارد و به صورت یک هنجار اجتماعی در نیامده است، نه تنها به رواج آن کمک نمی کند، بلکه جایگاه آن را متزلزل و بی ارزش می سازد. نکته دیگری که در این جا باید به آن اشاره کرد، این است که تبلیغ آرمانی و دور از واقعیت یک پدیده نیز اثر چندانی در رسیدن به اهداف مورد نظر ندارد، بلکه باید آن را به صورت ملموس و جاری در زندگی روزمره و برخوردهای ساده ترسیم کرد تا در الگودهی به جامعه مؤثر باشد. اموری مانند عیب پوشی، کمک مالی، گذشت، هم دردی و... که در قسمت حقوق برادران دینی آمده است، می تواند دستمایه هایی برای تبلیغ برادری در سطح اجتماع باشد.

۴. بی توجهی به ارزش های دینی

نکته دیگری که باید در این بخش آن را بیان کرد این است که در صدر اسلام، التزام به اخوت دینی و حقوق و مسئولیت های آن جزئی از باورهای دینی مسلمانان بود؛ یعنی مسلمانان دستورها و توصیه های قرآن و پیامبر _ مانند این حدیث که «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ هر کس که صبح کند، در حالی که نسبت به امور مسلمانان بی اعتنا باشد، مسلمان نیست.» _ را با جان و دل پذیرفته بودند و به آن ایمان راستین داشتند. ولی این مسئله در عصر ما جایگاه واقعی خود را تا حدود زیادی از دست داده است که دلیل آن ضعیف شدن پایه های ایمان در بین مسلمانان است. از این رو، محکم شدن ایمان افراد نیز نقش به سزایی در پایبند بودن به اخوت ایمانی دارد.

با دقت در مفهوم اخوت دینی میان مؤمنان، درمی یابیم که این پیوند نیاز به گذشت، فداکاری، پاکی و صداقت دارد. بنابراین، تا زمانی که انسان در بند خواسته های نفسانی، مانند حبّ نفس، حبّ مقام، حبّ اقوام و خویشان و هم حزبی ها و... باشد، برادری او با دیگران ناممکن است. حسادت و ورزیدن به دیگران نیز انسان را از رفتار برادرانه باز می دارد. در ذیل به برخی از نمودها و مصداق های دوری از ارزش های اخلاقی و نابرداری ها برگرفته از کتاب «همه ما برادریم» اشاره می کنیم.

_ مدارا و نرمی را نشانه ضعف و سست عنصری و شدت عمل و سخت گیری را نشانه قدرت و غیرت و انقلابیگری می شماریم.

_ خود و همفکرانمان را میزان حق و باطل می دانیم و ماورای فکر خود را ماورای حقیقت قلمداد می کنیم و به آن وقعی نمی نهیم.

— هر که را با ما نیست، علیه خود می شماریم و هر که را علیه خود می شماریم معاند می پنداریم.

— استادانه و با نگاه عاقل اندر سفیه به مخالفانمان می نگریم و آنان را مشتی جاهل و مغرض می شماریم.

— آنچه را نمی دانیم یا درک نمی کنیم، رد می کنیم و هر چه را رد می کنیم، «جمله باطل» یا عین کفر و گمراهی می شماریم.

— در هنگام ضعف و ضرورت، طرفدار اتحادیم و بر اشتراکاتمان انگشت می نهیم، ولی در هنگام قدرت و بی نیازی، نیم نگاهی به دیگران نمی کنیم و بر اختلافاتمان تکیه می کنیم.

— با آنکه مخالفیم، همه فضایلش را منکریم و یا از اعتراف به فضایلش خودداری می ورزیم و درباره اش سکوت می کنیم.

— در سخن، خود را اسلام ناطق و تجسم اسلام معرفی نمی کنیم، ولی در عمل چنین می کنیم: فکر و سلیقه خود را عین اسلام می دانیم و مخالفان خود را مخالفان اسلام یا منحرفان از آن می شماریم.

— همه مردم را با کلیشه «خوب یا بد» و تمامی اندیشه ها را با کلیشه «درست یا غلط»، به دو دسته تقسیم می کنیم. به دیگر کلام، هر که و هر چه را «سیاه یا سفید» می شماریم و به حدّ وسط و میانه ای قائل نیستیم و کسی و چیزی را خاکستری نمی بینیم و مطلق بین و مطلق گو هستیم.

— در سخن، «همه با هم» می گوئیم و در عمل، «همه با من» می خواهیم.

— به کوچک ترین دستاویزی یکدیگر را تخطئه و طرد می کنیم. گاه بدین هم بسنده نمی کنیم تا این که یکدیگر را تفسیق و تکفیر کنیم.

— زود خشم و دیر آشتی هستیم و کمی جاذبه و بسی دافعه داریم.

— علیه یکدیگر سینه چاک می کنیم و گردن می افرازیم و شمشیر را از رو می بندیم، ولی برای تفاهم و گفتگو و نزدیکی دل ها و اندیشه ها قدم از قدم بر نمی داریم.

— در دشمن سازی، حتی از دوست، چیره دست هستیم و چندان که می کوشیم از دوست، دشمن بسازیم نمی کوشیم از دشمن، دوست بسازیم.

— در هنگام مخالفت و عداوت، از عدالت خارج می شویم و از حدود تجاوز می کنیم و اندازه نگه نمی داریم و بیش از جرم، مجازات می کنیم و مجازات بیش از جرم را جرم نمی دانیم و مجرم بودن کسی را موجه تجاوز به او می شماریم.

— نه تنها به استقبال از انتقاد نمی رویم، که انتقاد را نمی پذیریم و حتی آن را از سر کینه توزی و دشمنی به حساب می آوریم و منتقدان خود را دشمن می پنداریم و بر نمی تائیم.

— در برابر یکدیگر «گوش» نیستیم، بلکه «زبان» هستیم و به هم زخم می زنیم و در پی اسکات (ساکت کردن) یکدیگریم.

— اندیشه را با اندیشه پاسخ نمی گوئیم، بلکه با پرخاشگری به مقابله با اندیشه های دیگر می رویم و می کوشیم آن را خفه و خفی کنیم.

— آتش را به خاکستر تبدیل نمی کنیم، بلکه آن را شعله ورتر می کنیم.

مقصود این که اختلافات را با گفت و گو و برطرف کردن سوء تفاهمات کم نمی کنیم، بلکه بر آن می افزاییم و بدان دامن می زنیم.

— به اختلافاتمان بیش از اشتراکاتمان چشم می دوزیم و آنها را مهم تر از این ها می شماریم.

— در هتک حیثیت و ترور شخصیت مخالفانمان کوتاه نمی آیم و خطای شخصی آنها را در بوق می کنیم و به حریم خصوصی زندگیشان وارد می شویم.

— تصویری غلط از مخالفانمان ترسیم می کنیم و سر بی صاحب را می تراشیم و گفته ها و کرده هایی را به آنها نسبت می دهیم که قبول ندارند. به بیان دیگر، مخالفانمان را تنها به خطاهایشان نمی گیریم، بلکه خطاهایی برای آنان می تراشیم و به آنها منسوب می کنیم و شاید هم به تدریج خود باور کنیم و آنگاه آنها را به دستاویز خطاهایی که مرتکب نشده اند، بلکه ما ساخته ایم ملامت می کنیم.

ص: ۷۱

۱. آنچه که مورد تاکید اسلام است، علاقه و پیوند برادری بر اساس رهنمودهای الهی است، از این رو، صرف دوستی و داشتن ارتباط نزدیک با دوستان بدون این که بر اساس ارزش های دینی و اهداف آن باشد نمی تواند مورد قبول شرع باشد و چه بسا برخی پیوندهای بدون قید و بند مفسدی نیز به همراه داشته باشد. بنابراین، در برنامه ها این نکته نباید غفلت شود که تشویق و ترغیب به دوستی و برادری باید جهت دار و بر اساس روش های شرعی باشد.

۲. اساس فرهنگ سازی آموزش است. صدا و سیما می تواند با آموزش وظایف و حقوق مترتب بر برادری بستر لازم برای ایجاد روحیه اخوت و دوستی را در جامعه فراهم آورد. آموزش می تواند در ابعاد گوناگون مانند اهمیت، آثار، وظایف و آداب باشد.

۳. مصداق کامل برادری همان برادر نسبی است؛ زیرا افزون بر وجود رابطه ایمانی، رابطه نسبی و خانوادگی نیز حکمفرماست. بنابراین، تقویت این رابطه و تقدم آن بر دیگر روابط برادرانه روشن است. چه بسا دیده می شود که افراد یک خانواده با یکدیگر روابط دوستانه و صمیمی ندارند، ولی در خارج از منزل و با افراد دیگر روابطی عاطفی و گرم دارند و این آسیبی است که در بعضی خانواده ها وجود دارد.

۴. عقد اخوت و علقه برادری منحصر به مردها و جنس مذکر نیست، بلکه بر اساس سیره معصومان و آموزه های دینی در مورد زنان نیز جاری است.

الف) سال چهارم هجرت میان مهاجران

ب) پیش از هجرت، میان مهاجران ×

ج) سال اول هجرت میان مهاجران و انصار

د) پس از هجرت، میان انصار

۳. مهم ترین اقدام های پیامبر پس از هجرت به مدینه چه بود؟

الف) ساختن مسجد

ب) تشکیل ارتش

ج) برقراری اخوت میان مهاجران و انصار

د) الف و ج ×

۴. در چه زمانی حکم برادری همه مسلمانان با یکدیگر تشریح شد؟

الف) یک سال پس از عقد اخوت در مدینه

ب) هنگام جنگ احد

ج) هنگام نزول آیه «انما المؤمنون اخوه» ×

د) در حجه الوداع

۵. چرا پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را برای برادری خویش برگزید؟

الف) پیامبر حضرت علی را بسیار دوست می داشت

ب) آن دو با یکدیگر پسر عمو بودند

ج) حضرت علی علیه السلام از کودکی در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگ شده بود

د) پیامبر جز علی علیه السلام همتا و همپایه ای برای برادری نداشت ×

۶. هدف پیامبر از بستن عقد اخوت میان مهاجران و انصار چه بود؟

الف) کمک اقتصادی به مهاجران

ب) کمک روحی به مهاجران

ص: ۷۴

ج) کمک نظامی به مهاجران

د) الف و ب ×

پرسی های مصاحبه ای

۱. کدام آیه از قرآن، مسلمانان را برادر یکدیگر می خواند؟
۲. اولین پیوند اخوت در اسلام میان چه کسانی برقرار شد؟
۳. به نظر شما چرا پیامبر حضرت علی علیه السلام را به برادری خویش برگزید؟
۴. پیامبر مسلمانان را بنا بر چه ملاکی برادر یکدیگر قرار می داد؟
۵. هدف پیامبر از این که میان مسلمانان عقد اخوت بست چه بود؟
۶. درباره حقوقی که برادران دینی بر یکدیگر دارند چه می دانید؟
۷. آیا می توانید آثار جهانی پیمان برادری مسلمانان را توضیح دهید.
۸. تأثیر پیوند اخوت میان مردم در روابط اجتماعی و ساختار جامعه چیست؟
۹. به نظر شما آیا برادری و اخوت، نیاز جامعه کنونی ماست؟
۱۰. چه مسایلی موجب بر هم زدن پیوند برادری و دوستی می شود؟

پرسی های کارشناسی

۱. چه اقدامات و تمهیداتی لازم است تا زمینه برای تحقق جامعه ای که روح اخوت بر آن حاکم است فراهم شود؟
۲. چه عواملی باعث سست شدن روابط میان مؤمنان و چه عواملی باعث مستحکم شدن پیوند برادری می شود؟ به عبارت دیگر، موانعی که بر سر راه تحقق این رابطه میان مومنان وجود دارد کدام است و چگونه می توان آنها را برطرف کرد؟

ص: ۷۵

۳. نقش مسئولان و متصدیان حکومت، حوزه های علمیه و نیز رسانه های گروهی در کمک به ایجاد فرهنگ برادری در جامعه چیست؟

۴. راه های آموزش این حقوق به مردم چیست و چگونه می توان آنها را به گونه ای تعلیم داد که با جان و دل به این وظایف عمل کنند، نه با تکلف و اکراه.

۵. در صورتی که اخوت، یک فرهنگ رایج در سطح جامعه شود، تا چه اندازه از مشکلات کنونی کشور در زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... حل می شود؟

۶. در رابطه با مبانی پیمان برادری در اسلام توضیح دهید.

۷. در مورد سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در برقراری پیمان اخوت و برادری بین مسلمانان توضیح دهید.

* قرآن

* نهج البلاغه

۱. ابن شهر آشوب ابی جعفر محمد، مناقب آل ابی طالب، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۲. ابن هشام، السیره النبویه، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۵۵.
۳. الأمینی النجفی، عبدالحسین، الغدیر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۴. الحسنی، سید علی فضل الله، سیره الرسول و خلفاءه، الدار الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۵. الحسینی، سید باقر، تاریخ الادب العربی، دارالاعتصام للطباعه و النشر، ۱۴۱۶ ق.
۶. الحسینی، هاشم معروف، زندگی امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ترجمه علی شیخ الاسلامی، مؤسسه اهل بیت _ بنیاد بعثت، ۱۳۶۲.
۷. الحلبی، علی بن برهان الدین، انسان العیون فی سیره الامین المأمون (السیره الحلبیه)، دارالاحیاء التراث العربی.
۸. الزبیدی، محمدتقی، تاج العروس، دارالمکتبه الحیاه.
۹. الزین، سمیع عاطف، محمد صلی الله علیه و آله در مدینه، ترجمه مسعود انصاری، جامی، ۱۳۷۹.
۱۰. السبوطی، محمد سعید رمضان، خورشید حقیقت، ترجمه مسعود قادرمرزی، ناشر: مترجم، ۱۳۷۷.
۱۱. الصدر، محمدصادق، امیرالمؤمنین در عهد پیامبر، ترجمه دکتر سیدجمال موسوی، مؤسسه اهل البیت.
۱۲. العاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، دارالهادی _ دارالسیره، ۱۴۱۵ هـ . ق.
۱۳. العلی، صالح احمد، دولت رسول خدا، ترجمه هادی انصاری، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱.
۱۴. المظفر، محمدحسن، فضایل امیرالمؤمنین من دلائل الصدق، دارالاحیاء التراث العربی.
۱۵. بوازار، مارسل، اسلام و حقوق بشر، ترجمه محسن مؤیدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. جعفریان، رسول، تاریخ تحول دولت و خلافت از برآمدن اسلام تا بر افتادن

سفیانیان، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.

۱۷. _____، تاریخ سیاسی اسلام، سیره رسول خدا، انتشارات دلیل، ۱۳۸۰.

۱۸. حسینی تهرانی، سید هاشم، عقائد الانسان، نشر علامه طباطبایی، ۱۳۶۱.

۱۹. حسینی تهرانی، محمد حسین، امام شناسی، انتشارات حکمت، ۱۴۰۴ ق.

۲۰. حکیمی، محمدرضا، الحیات، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.

۲۱. حکیمی، محمد، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰.

۲۲. خمینی، روح الله، صحیفه نور.

۲۳. در مکتب جمعه، مجموعه خطبه های نماز جمعه تهران، انتشارات چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.

۲۴. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی (منطق عملی)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.

۲۵. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، دارالکتاب العربی.

۲۶. رسولی محلاتی، هاشم، زندگانی امیرالمؤمنین، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

۲۷. رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی.

۲۸. زاهدی اصل، احمد، مقدمه ای بر خدمات اجتماعی.

۲۹. زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹.

۳۰. سبحانی، جعفر، سیستم اخلاقی اسلام، مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ، ۱۳۴۹.

۳۱. _____، فروغ ولایت، مؤسسه امام صادق، ۱۳۷۴.

۳۲. شهیدی، جعفر، تحلیلی از تاریخ اسلام، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹.

۳۳. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه اهل البیت، ۱۴۱۲ ق.

۳۴. صافی، لطف الله، حوادث تاریخی، کتابخانه صدر.

۳۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۱ ق.

۳۶. علیدوست، نورالله، پرتوی از زندگی امام صادق، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.

۳۷. قائمی، علی، در مکتب عالم آل محمد امام علی بن موسی الرضا، انتشارات امیری، ۱۳۷۸.

ص: ۷۸

۳۸. قزوینی، محمد کاظم، علی از ولادت تا شهادت، ترجمه علی کاظمی، چاپخانه علمیه، ۱۳۹۷ ه. ق.

۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالأسوه للطباعه و النشر، ۱۳۷۶.

۴۰. گارده، لوئی، اسلام دین و امت، ترجمه رضا مشایخی، شرکت انتشار.

۴۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، دارالاضواء.

۴۲. مشکینی، علی، راه ما، ترجمه احمد خدایی، چاپخانه علمیه.

۴۳. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷.

۴۴. _____، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.

۴۵. موثقی، سید احمد، استراتژی وحدت در اندیشه های اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

